

هشدار امام!

«...دعواهای ما دعوایی نیست که برای خدا باشد
... همه ما از گوشمان بیرون کنیم که دعوی ما برای
خدا است ما برای مصالح اسلامی دعا می‌کنیم...
دعوی من و شما و همه کسانی که دعا می‌کنند همه
برای خودشان است...»

امام خمینی (ره) - صحیفه امام، جلد ۱۴ صفحه ۴۷۹



سپاهی الهامی زحمت

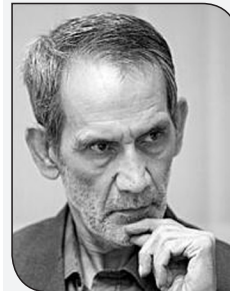
تعبیر امام (ره) از حضور علمای
شیعه در دستگاه پادشاهان
حضور مجلسی
در دربار سلاطین
مجاهده نفسانی بود

صفحه ۲

سال سی و ششم ♦ شماره ۲۲ ♦ شماره مسلسل ۱۵۱۶ ♦ نیمه دوم بهمن ماه ۱۳۹۴ ♦ قیمت: ۵۰۰ تومان

پهلوانان انقلاب را زمین نزنیم

ابوالقاسم سرحدی زاده



آقای ابوالقاسم سرحدی زاده از چهره‌های سرشناس مبارز قبل از انقلاب، پس از تحمل حدود ۱۴ سال زندان به خاطر عضویت در «حزب ملل اسلامی» در آستانه پیروزی انقلاب آزاد شد و پس از انقلاب

در سمت‌های مختلفی از جمله «وزیر کار» در دولت دوم حضرت آیت‌الله خامنه‌ای و سه دوره نمایندگی مجلس شورای اسلامی (دوره سوم، چهارم و ششم) خدمت کرده است. وی اکنون به مطالعه و اندیشه‌ورزی مشغول است بیشتر می‌خواند و می‌اندیشد و کمتر می‌گوید و می‌نویسد.

این روزها رد صلاحیت بسیاری از پیشکسوتان انقلاب توسط شورای نگهبان و توهین و دهن کجی رسانه‌ها، سایت‌ها و روزنامه هتاک به آنان موجی از اندوه و ناامیدی را در میان دوستداران و دلسوزان نظام به وجود آورده است. این اقدامات در حالی صورت می‌گیرد که در فضای پس از برجام، ایران در سایه مدیریت داهیانه رهبر فرزانه انقلاب و تدبیر ریاست محترم جمهوری در اوج قدرت و نفوذ خود در طول چهار صدسال گذشته قرار دارد و جهانیان به دقت اوضاع کشور ما را رصد می‌کنند. اهانت‌ها و لجن‌پراکنی‌های برخی رجال و رسانه‌های افراطی علیه سابقون اولون انقلاب و امام مانند آیت‌الله هاشمی رفسنجانی و حجت‌الاسلام محمدجواد حجتی کرمانی و بسیاری دیگر، صاحب این قلم را به یاد هتاکان بی‌ریشه قبل از انقلاب می‌اندازد که رهبران نهضت و قیام را با اسامی مستعار با انواع جسارت‌ها و تهمت‌ها مورد هجوم قرار می‌دادند و امروز اما آشکارا و بی‌هیچ حد و مرزی، قدیمی‌ترین یاران و رهروان واقعی امام را در رسانه‌های رسمی کشور به باد توهین و ناسزا می‌گیرند و از هیچ کس و هیچ نهادی ترس و بیم ندارند. امروز کسانی که در مکتب و منبر خود با اسلامیت و روحانیت انقلاب و قیام علیه شاه مخالفت می‌کردند و با همه وجود سعی نمودند تا صدای انقلاب و امام را خاموش کنند. آنچنان انقلاب را به نام خود مصادره کرده‌اند که گویی اصلا خمینی‌ها، هاشمی‌ها و حجتی‌ها در نهضت و مبارزه نبوده‌اند. این نورسیدگان دو آتشه که در نتیجه تلاش و مبارزه و تحمل زندان و شکنجه پیشکسوتان انقلاب بر اریکه قدرت نشست و سال‌هاست که بی‌هیچ رنج و سابقه‌ای از مواهب انقلاب بهره می‌برند، چنان مست و شیفته و سودازده گشته‌اند که فراموش کرده‌اند، این نوع کارها، بیش از هر چیز، تعریض به مقام معظم رهبری است که با حکمت و فراست، کشور ما را در همه این سال‌ها از موج بحران‌ها عبور داده و هر جا خطا و انحرافی را دیده و می‌بینند، به سرعت و دقت جلوی آن را می‌گیرند.

در این یادداشت، مجال آن نیست تا از اکثریت قریب به اتفاق پیشکسوتان انقلاب که امروزه در معرض له شدن و لگدمال گشتن توسط اربابه حذف و هتاک افراط‌گرایان قرار گرفته‌اند، سخن گویم. بنابراین صرفا به یکی از مظلوم‌ترین و برجسته‌ترین آنان می‌پردازم که بیش از ۵۵ سال با او محشور و مانوس بوده‌ام و او کسی جز حجت‌الاسلام والمسلمین محمدجواد حجتی کرمانی نیست.

ادامه در صفحه ۲

هو الحق

حجت الاسلام والمسلمین

جناب آقای حاج سید محمدعلی شهیدی (حفظه الله)

نماینده محترم ولی فقیه و رئیس بنیاد شهید

در گذشت والدۀ مکرمه را به جنابعالی و اعضای محترم خاندان تسلیت عرض نموده، برای آن مرحومه غفران و رضوان و برای جنابعالی و بازماندگان، صبر و سلوان از خدای بزرگ خواستارم.

با آرزوی سلامتی و دوام توفیق خدمت به خلق و خانواده‌های شهدا و ایثارگران...

قم: المخلص
سید هادی خسروشاهی

حجت‌الاسلام والمسلمین شهیدی:



جانباختگان
حادثه منا «شهید»
محسوب می‌شوند

صفحه ۳

دبیرکل حزب الله لبنان افشا کرد:



اسرائیلی‌ها و برخی
دولت‌های عربی
رویکرد درگیری سنی و
شیعه را به پیش می‌برند

صفحه ۶

امام جمعه پاوه:



تواضع، اعتماد به
مخاطبان و دلسوزی
برای آینده اسلام
از ویژگی‌های امام
موسی صدر بود

صفحه ۷

یادداشت دکتر مهدوی‌راد:



اشاره‌ای به کمیت
و کیفیت آثار راه
یافته به سی و سومین
جایزه کتاب سال

صفحه ۸

بلوف سیاسی؛ دست خالی ترکیه و عربستان در سوریه

استاد سیدهادی خسروشاهی - رئیس پیشین نمایندگی ایران در مصر

به نتیجه مشخصی برسد. ایران با دیپلماسی موفق جناب آقای دکتر حسن روحانی و آقای دکتر ظریف از یک سو و با جان فشانی مردم و مدافعان حرم در منطقه، طرف‌های خارجی را متوجه نقش منطقه‌ای خود کرده است. حال که تقریبا اجماع جهانی بر ماندن بشار اسد در دوره انتقالی و حضور او در انتخابات یا کناره‌گیری به میل خود پس از ایجاد ثبات در سوریه است، سعودی‌ها و کشورهای وابسته به پول نفت این کشور، توان مقابله با این اجماع را ندارند. کشوری که در باتلاق یمین گیر کرده و به علت بی‌ثباتی درونی و اختلافات هیأت حاکمه، در یک روز ۴۵ منتقد غیرمسلح خود را گردن می‌زند، شرایط درگیری در جنگ دیگری را ندارد. حالا که قیمت نفت به ۳۰ دلار رسیده و افسانه ثروت سعودی‌ها در حال پایان است و بنی‌سعود حتما توان ادامه هزینه‌های موجود را نخواهد داشت.

مردم سوریه با وجود برخی ناراضی‌ها از اسد، هرگز راضی نبوده و نیستند که خاک کشورشان جولانگاه تروریست‌های آدم‌کش داعش و سایر نیروهایی شود که عربستان و ترکیه به نیابت از غرب به این منطقه گسیل کرده‌اند. نگارنده منکر وجود ظرفیت در تندروهای تکفیری برای تبدیل شدن به چنین نیروی هولناکی نیست اما قطعا فرصت مناسب رشد و نمو و نیروگیری از سراسر جهان با پول بنی‌سعود و آل‌قطر، برخی کشورها برای تندروها فراهم شد. در مورد اعزام نیرو به سوریه هم سعودی‌ها همین ابتدا و پیش از ورود به سوریه، شرط گذاشته‌اند که اگر آمریکا نیروی زمینی به سوریه وارد کند، آنها هم وارد خواهند شد! پرواضح است که ایالات متحده علاقه‌مند به کشته‌شدن سربازهای خود در جنگ با ارتش و نیروهای مردمی سوریه و البته متحدان سوریه نظیر روسیه، حزب‌الله و ایران نیست و در صورت اقدام روسیه از شروع جنگ جهانی سوم سخن می‌گوید! و آمریکا و اروپا می‌دانند مسائل سوریه، عراق و لیبی مسائل بغرنجی است و نه موضوعاتی داخلی یا منطقه‌ای، بلکه تهدیدی برای امنیت این کشورهاست.

درباره عملکرد رجب طیب اردوغان هم حرف بسیار است. بنده زمانی میهمان نجم‌الدین اربکان بودم و جوانی را دیدم که در قامت شهردار استانبول، آمد و به نشانه احترام، دست او را بوسید. او را به من معرفی کردند و فهمیدم او، طیب رجب اردوغان است. چندی بعد هم در کنفرانس «اقبال لاهوری» که یک هفته در ترکیه برگزار شد، میهمان اردوغان به‌عنوان شهردار استانبول بودم... و او به اسلام‌گرایی متظاهر بود و بعدها که از اربکان به بهانه کهنه‌بودن استراتژی او جدا شد و حزب عدالت و توسعه را تأسیس کرد و من در دیداری دلیل این امر را از اربکان جویا شدم و او به کنایه گفت: «رجب، انگور بود اما شراب شد». او به خوبی این جوان جویای قدرت را می‌شناخت و می‌دانست نمایش اسلام‌گرایی برای او یک سکوی پرش‌است.

منبع: سرمقاله روزنامه شرق / مورخ: ۹۴/۱۱/۳۶

وضعیت سوریه که با پیروزی‌های ارتش، نیروهای مردمی و متحدان سوریه بر تروریست‌های تکفیری در روزهای اخیر و برگزاری نشست مونیخ رو به بهبود می‌رفت، باز هم با کارشکنی عربستان و ترکیه مواجه شده است؛ دخالتی نامشروع که گروه‌های این کلاف را پیچیده‌تر خواهد کرد... مانور نظامی عربستان در این کشور با حضور نیروهای اجیرشده از سایر ممالک عربی و آفریقایی وابسته به پول نفت عربستان و مزدوران چندملیتی که به‌عنوان آمادگی برای حمله به سوریه انجام شده است، بیشتر به یک نمایش و بلوف سیاسی شبیه است. بنی‌سعود پس از ۱۰ ماه حمله هوایی وحشیانه و ضدانسانی بر یمین، حتی نتوانسته به شکل زمینی وارد میدان شود، در حالیکه کشوری فقیر است و مشکلات داخلی بسیار دارد و به دلیل مصائب دولت مرکزی، ارتش یمین هم تضعیف شده است.

ترکیه اگرچه از آمادگی نظامی برخوردار است اما با حمله به مواضع کردهای سوریه در اطراف حلب، با واکنش‌های جهانی روبه‌رو شده است. اساسا هیچ‌یک از این دو کشور بدون نظر حاکمیت سوریه نمی‌توانند وارد این کشور شوند. ضمن اینکه مسئله کردها برای ترکیه، مسئله‌ای دیرپاست و نمی‌توانند بدون در نظر داشتن مسائل کردهای ترکیه و سوریه و عراق، به سرکوب این مخالفان بپردازند. به‌رحال این توطئه مربوط به دیروز و امروز نیست. بنی‌سعود، ترکیه و قطر، از مدت‌ها قبل نوعی جنگ نیابتی را دنبال و هر روز طرحی تازه را پیاده می‌کنند اما پس از مدتی، ناکامی را مقابل خود می‌بینند. امروز که اردوغان افندی! قصری با هزار و صد اتاق برای خود ساخته و جشنی مانند جشن دوهزار و پانصد ساله شاه، در افتتاح آن برگزار کرده است، حالا که او نوعثمانی‌گری را دنبال می‌کند و مخالفان خود را می‌کشد یا به زندان می‌افکند، حالا که در منطقه یک پای آشوب است و دنبال فروش گاز به رژیم اسرائیل، می‌توان نقشه شومی که برای خاورمیانه کشیده شده را بهتر مشاهده کرد.

ای کاش تظاهرات مسالمت‌آمیز اخوان، توسط اسد با نگاه مثبت دیده می‌شد و با نیروی قهریه سرکوب نمی‌گردید تا مشکلات فعلی پیش نیاید. وقتی با دوستان اخوان صحبت شد که مشکلات با اسد را حل کنند، پرسیدند چگونه با او سخن بگویند که حتی انتقاد آنان را برنتابیده است؟

اما حالا قرار نیست این اشتباه اولیه رئیس‌جمهور سوریه، با رهاکردن مردم این کشور در دست دشمنان اسلام، مقاومت و منطقه و تروریست‌های آدم‌کش، پاسخ داده شود. به‌رحال اکنون از حیث تسلط بر مناطق مختلف سوریه، متحدان این کشور و نیروهای سوری، وضعیت مناسبی دارند و این مسئله، تلفات اعزام نیروی احتمالی ترکیه و عربستان یا سایر کشورها به داخل خاک سوریه را به شدت افزایش خواهد داد.

به نظر نمی‌رسد خام‌اندیشی حاکمان جدید سعودی، این‌بار هم

۲ بهشت	◄ شماره ۲۲
نظرها و اندیشه‌ها	◄ شماره مسلسل ۱۵۱۶
پست الکترونیکی:	◄ نیمه دوم بهمن ۱۳۹۴
besatonline@gmail.com	

تعبیر امام(ره) از حضور علمای شیعه در دستگاه پادشاهان
حضور مجلسی در دربار سلاطین مجاهده نفسانی بود
در باب امور سیاسی... یک طایفه از علما، اینها گذشت کرده‌اند از یک مقاماتی و متصل شدند به یک سلاطین، با اینکه می‌دیدند که مردم مخالفند، لکن برای ترویج دینانت و ترویج تشیع اسلامی و ترویج مذهب حق، اینها متصل شدند به یک سلاطین و این سلاطین را وادار کردند خواهی‌نخواهی برای ترویج مذهب، مذهب تشیع، اینها آخوند درباری نبودند. این اشتباهی است که بعضی نویسندگان ما می‌کنند. سلاطین، اطرافیان این آقایان بودند. اینها اغراض سیاسی داشتند، اغراض دینی داشتند، نباید تا کسی به گوشش خورد که مثلاً مجلسی – رضوان الله علیه – محقق ثانی – رضوان الله علیه – شیخ بهائی – رضوان الله علیه – با اینها روابط داشتند، می‌رفتند سراغ اینها، همراهی‌شان می‌کردند. . . خیال کند که اینها مانده بودند برای جاه و عزت و احتیاج داشتند به اینکه شاه سلطان حسین یا شاه عباس به آنها عنایتی بکنند، این حرف‌ها نبوده در کار. آنها گذشت کردند، یک مجاهده نفسانی کردند، برای اینکه مذهب را به وسیله آنها، به دست آنها ترویج کنند، وقتی جلوگیری از سب حضرت امیر می‌خواستند بکنند: در یکی از بلاد ایران شنیدم اجازه خواستند که خوب، شش ماه دیگر صبر کنید ما سببش کنیم! اینها در یک همچو محیطی که سب امیر این طورها بوده و رایج بود و از مذهب تشیع هیچ خبری نبود و هیچ اسمی نبود، اینها رفته‌اند، مجاهده کرده‌اند. خودشان را پیش مردم، مردم آن عصر شاید اشکال به آنها داشتند از باب نفهمی، چنانچه حالا هم اگر کسی اشکال کند نمی‌داند قضیه را، عرض ندارد، نمی‌داند قضیه را.

ادامه از صفحه اول
این کلمات را بیشتر خطاب به کسانی می‌نویسم که او را برای عضویت در مجلس خبرگان رهبری، رد صلاحیت کردند. برای کسانی می‌نویسم که هرگز گذرشان به جمع‌های مبارزین انقلابی دهه چهل و پنجاه و بیداد گاه‌ها و شکنجه‌گاه‌های طاغوت پهلوی نیفتاده و بنابراین هرگز هیچ شناختی از شخصیتی به نام محمدجواد حجتی کرمانی ندارند. اینجانب حجتی کرمانی را از سال ۱۳۴۰ می‌شناسم؛ از همان زمانی که هم‌رمز دبیریم کاظم موسوی بجنوردی، که این روزها نام و یاد او را یارانش هم از کتاب‌های درسی پاک شده و دائر؟المعارف بزرگ اسلامی و جهانی‌اش هم به سبب عدم تخصیص بودجه در آستانه تعطیلی قرار گرفته، حزب ملل اسلامی را با هدف سرنگونی سلطنت و برپایی جمهوری اسلامی تشکیل داد. حجتی کرمانی با آن که روحانی اهل منبر و شناخته شده‌ای بود، به حزب ملل پیوست و تا زمانی که در سال ۱۳۴۴، این حزب لو رفت و رهبرش به اعدام و ۵۵ نفر از اعضایش از جمله حجتی کرمانی به زندان‌های طویل‌المدت محکوم شدند، مشغول مبارزه بود و چندبار هم بازداشت شد. حجتی کرمانی همان کسی است که وقتی حسنعلی منصور در ۱ بهمن ۱۳۴۳ ترور شد، بلافاصله به منبر رفت و این شعر حکیم شفافی اصفهانی را خواند که «دیدی خون ناحق پروانه شمع را ر چندان امان نداد که شب را سحر کند» آنسان که آن روز پای منبر او بودند، خوب به یاد می‌آورند که هنوز حجتی کرمانی از منبرش پایین نیامده بود که مأموران ستمشاهی به سراغش آمدند و حرمت عبا و عمامه او را رعایت نکردند و رهسپار زندانش ساختند.
حجتی کرمانی همان کسی است که وقتی اعضای حزب ملل را در بهمن ماه سال ۱۳۴۴ به بیدادگاه پادگان جمشیدیه بردند، محکم و استوار از میان جمع به پا خاست و با صدایی رسا خطاب به دادستان و قاضی

محمدجواد حجتی کرمانی

توضیح و تکمیل:

پیش از سخن، ظهر دوشنبه وقتی دبیرتر از هر روز به دفتر آدمم روی میزم یادداشتی به خط برادر دیرینه و گرانقدرم حضرت آقای سیدهادی خسروشاهی دیدم که نوشته بودند: «هو العزیز برادر گرامی و ارجمند حجت الاسلام والمسلمین حضرت آقای شیخ محمدجواد حجتی کرمانی (حفظه‌الله) بعد التحية والسلام

نامه شما خطاب به شورای نگهبان را خواندم، اصل اعتراض بسیار بجا و بحق بود اما...
اما نوعی تظلم و یار و یاور نداشتن در آن نامه احساس شد که به نظرم ضرورتی نداشت و در شأن جنابالی نبود...
یعنی: شأن شما برتر و بالاتر از آنست که در مجلسی اگر عضو نشوید، خدشه‌دار گردد!
در دفتر خود آقای حجتی در تاریخ ۱۲،۱۱،۹۴ مکتوب افتاد!!»

اینجانب که چشمم به نامهٔ ایشان روشن شده بود به منزل که رفتم مضمون نامه را با ابوذر و مادر ابوذر در میان گذاشتم. این مادر و فرزند هم نظرشان همان نظر آقای خسروشاهی بود با این تفاوت که ابوذر می‌گفت وقتی اول مقاله را خواندم همین احساس را داشتم ولی لحن کل مقاله این شائبه را از ذهن من زدود. (نقل به مضمون)

...اکنون به بهانه یادداشت روشن‌گرانه آقای خسروشاهی می‌خواهم یک مطلب روانشناسانه خدمت خوانندگان ارجمند به خصوص آنان که با این قلم سابقهٔ آشنایی دارند به عرض برسانم و آن اینست که حقیر معمولاً در مقالاتم فضای روحی و گاهی شرایط فیزیکی و موقعیت نگارش مقاله‌ام را بازگو می‌کنم بدون اینکه ربطی به اصل مقاله‌ام داشته باشد.

در حاشیه یادداشت آقای خسروشاهی

فقه و سیاست یا بی‌سیاستی

واقع امر آنست که چند سطر نخستین مقالهٔ نامبرده «حدیث نفس» بود که حالت روحی مرا بیان می‌کرد بی‌آنکه ربطی به بیان اعتراض به شورای محترم نگهبان داشته باشد. واضح‌تر آنکه حقیر، خود را از همه اعضای محترم شورای نگهبان و عموم همفکران و همراهان و وابستگان فکری و تشکیلاتی این نهاد، به حضرت امام خمینی(ره) و حضرت آیت‌الله خامنه‌ای – از نظر سوابق بیش از نیم قرنه و نیز مراتب عواطف و مناسبات همچنان تا به امروز و این ساعت که این یادداشت را می‌نویسم در قالب ارادت و عشق صمیمانه حقیر و لطف و محبت بزرگوارانه ایشان نسبت به حقیر با استحکام هرچه تمامتر ادامه دارد...

باری: اینک به برادر بزرگوارم آقای خسروشاهی و همه خوانندگان محترمی که احساسی مانند احساس نامبردگان داشته و دارند، عرض می‌کنم که چند سطر مورد ایراد، هیچگاه از سرِ ضعف یا احساس این نبوده که اگر من به مجلس خبرگان راه نیابم به قول آقای خسروشاهی «خدشه»‌ای به من وارد می‌شود!...
حقیر از این متأسفم که کار انقلاب به اینجا کشیده که یک عاشق دلسوخته اسلام و انقلاب که از نوجوانی انقلابی بوده و از اینرو به غیر از مرحوم سیدمحمدخلیل قوام که مرشد سیاسی او و شهید باهنر و آقای شیخ‌الرئیس و مرحوم آقاسید ابوالقاسم صمدانی بوده و شهید نواب صفوی را آموزگار سیاسی خود۲ نامیده و به جز شاگردی ۶ ساله، از نخستین بیعت‌کنندگان و یاوران و رهروان نهضت امام خمینی و انقلاب اسلامی بوده باید از سوی حضرات صاحب اوصاف مذکور تأیید یا عدم تأیید شود. و کسی را که در قسمت‌های مختلفی خدمت کرده و امتحان پس داده که قاعدتاً جز متعهدان راستین انقلاب نمی‌توانستند در آن سمت‌ها خدمت کنند، اعم از نخستین امامت جمعه کرمان تا نمایندگی مجلس خبرگان قانون

پهلوانان انقلاب را زمین نزنیم

در یک جمله بنویسد که «اشتباه کرده و از کار خود پشیمان است»؛ کاری که البته برخی منصب‌داران امروز با استدلال‌های مختلف انجام دادند و از زندان رها شدند، اما حجتی کرمانی هرگز نپذیرفت. سهل است که ساواک حتی به این رضایت داد که حجتی کرمانی فقط متعهد شود علیه شاه و سلطنت چیزی نگوید و آزاد شود اما او باز هم نپذیرفت و همه ده سال محکومیتش را با عزت و افتخار طی کرد.

من و بیشتر مبارزین انقلاب که آن روزها، پای کلاس تفسیر قرآن و فقه و اصول حجتی کرمانی در زندان می‌نشستیم به خوبی به یاد داریم که این روحانی برجسته، به همراه آیت‌الله انواری تنها روحانیونی بودند که به سبب عضویت در گروه‌های مسلح و شرکت در مبارزه مسلحانه برای سرنگونی سلطنت به زندان طویل‌المدت محکوم شده بودند. در سالهای دهه چهل که زندان قصر مملو از زندانیان چپ و ملی‌گرا بود و زندانیان مسلمان در اقلیت و غربت و اغلب در معرض تغییر ایدئولوژی بودند، حجتی کرمانی و انواری، به تنها امید جوانان مسلمان و عامل تداوم دینداری و آگاهی آنان تبدیل شدند. حجتی نه تنها بسیاری از جوانان مسلمان را از خطر انحراف حفظ کرد بلکه، آنچنان مهربان و صادق و اهل تسامح بود که زندانیان چپ و ملی‌گرا هم به او علاقه زیادی داشتند و گاه در کلاس‌هایش هم شرکت می‌کردند. این روحانی شجاع و آزاداندیش، که به حق می‌توان او را «پهلوان انقلاب» نامید، آنچنان شیفته انقلاب و امام و مردم و آرمان خودش بود، که حاضر بود هر خطری را به جان بپذیرد ولی اصول خود را حفظ کند. او حتی در دوران زندان، خانواده‌اش را از دست داد و زندگی‌اش از هم پاشید ولی از اسلام و امام دست نکشید.

بعد از انقلاب هم حجتی کرمانی، با وجود برخورداری از موقعیت‌های کسب قدرت، سراغ پست و مقام‌های

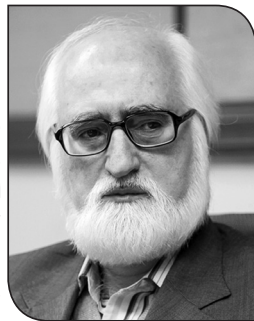
اساسی از کرمان تا نمایندگی در مجلس شورای اسلامی از تهران تا مشاورت فرهنگی ریاست جمهوری در زمان حضرت آیت‌الله خامنه‌ای تا نمایندگی در مجلس خبرگان دوم رهبری و جز اینها...

اینک باز خطاب به حضرات آقایان فقهای شورای نگهبان دامت برکاتهم عرض می‌کنم: آقایان فقهای محترم! شما می‌دانید معنای عدم تأیید شما – که به صراحت می‌گویم جنبه سیاسی دارد نه فقهی – اینست که حقیر تمام مسئولیتهای نامبردهٔ بالا را بدون استحقاق داشته‌ام و در تمام موارد فوق، هم مردم اشتباه کرده‌اند، هم امام، هم حضرت آیت‌الله خامنه‌ای! اگر جز این است بفرمایید بنده همهٔ آنچه را در نامه اعتراضیه تقدیمی‌ام نوشته‌ام و هم هر آنچه در مقاله حاضر و مقاله پیشین آوردم، یکسره پس می‌گیرم...

حالا که قلم به دست دارم این را هم اضافه کنم که معنای عدم تأیید – یا رد صلاحیت گروه کثیری از نامزدهای مجلس هم که رد گستردهٔ آنان موجب حیرت شدید همهٔ علاقمندان به ایران و اسلام و انقلاب شده است و دادِ آقای هاشمی‌رفسنجانی را هم به حق درآورده است اینست که ملت ایران که نخبگانش باید از میان داوطلبان نمایندگی مجلس انتخاب شوند چنان از انقلاب دور شده‌اند که ۹۰ درصد نامزدهای داوطلب نمایندگی مجلس‌شان که به طور طبیعی از میان ملت برخاسته‌اند، فاقد صلاحیتند!! آیا این توهین به یک ملت بزرگ نیست؟! و آیا مضمون اعلام نظر شما این نیست که مردم و نامزدهای آنان را دور از مبانی دینی و مصالح نظام می‌دانید؟! می‌دانید قضیه چیست؟ شما از تکرار مجلس ششم واهمه دارید! شما بیشتر مردم و نامزدهای آنان را وابسته یا هوادار یا به قولی «ساکت» در وقایع سال ۸۸ می‌دانید!!!! به صراحت می‌گویم و بر پای آن می‌ایستم شما واهمه دارید، واهمه!...

آنچنانی نفرت و هرگز دینش را به دنیا نیالود و بیشتر به‌کار فرهنگی پرداخت و همواره حلقه وصل نیروهای مختلف انقلاب بود. در زمستان امسال به سبب اصرار پیشکسوتان انقلاب، به‌رغم میل شخصی، در انتخابات خبرگان ثبت‌نام نمود ولی در کمال شگفتی رد صلاحیت شد. به‌راستی رد صلاحیت او دقیقاً در پنجاهمین سال افشاگری او علیه شاه در بیدادگاه نظامی، اشک را بر چشمان همه پیشکسوتان انقلاب و امام جاری کرد و این پرسش را برای آنان پیش آورد که «این تذهبون» چرا باید کار انقلاب به جایی برسد که عاشقان اسلام و امام و انقلاب همچون حجتی کرمانی به جرم ضدیت با این ارکان رد صلاحیت شوند؛ سهل است که توسط هتاکان زمانه مورد تمسخر و هتک حرمت قرار گیرند و شخصیتشان در کوی و برزن و در مقابل خاص و عام لگدمال شود و نورسیدگانی که هرگز کم‌ترین علاقه‌ای به امام نداشته و ندارند به جای آنان بر صدر بنشینند و قدر ببینند. ما را چه شده است؟ چرا بر شاخ نشسته و بن می‌بریم؟ آیا رد صلاحیت امثال حجتی کرمانی و منزوی کردن اکثریت قریب به‌اتفاق دوستداران امام و انقلاب و رهبری و حتی رد صلاحیت حاج حسن آقا، نوه «فکری» نه فقط نسبی امام، چیزی جز بن بریدن و بر شاخ نشستن هست؟ بیدار و آگاه باشیم و نگذاریم که اسلام و انقلاب در اختیار نامحرمانی قرار گیرد که دل امام را خون کردند و امروز یاران و دوستدارانش را هم یکی یکی به ورطه حذف می‌کشانند. به یقین ورود افرادی مانند محمدجواد حجتی کرمانی به مجلس خبرگان، با آن همه سابقه انقلابی و تقوای اسلامی، سبب زینت این مجلس و آبروی نظام می‌شود و نبود آنان صدمه و ثلمه‌ای به انقلاب و نظام وارد می‌آورد که هرگز فرصت جبران آن نخواهد بود. بیش از آنکه دیر شود، جبران کنیم که به قول قیصر امین‌پور «ناگهان چقدر زود دیر می‌شود» منبع: روزنامه اطلاعات ۲۴ بهمن ۱۳۹۴
--

محقق: شرمنده انقلاب هشتم



بیست و یکمین شب شاعر ویژه پاسداشت جواد محقق در سازمان هنری رسانه‌ای اوج برگزار شد.

عزت‌الله الوندی نویسنده در این مراسم گفت: جواد محقق دارای شخصیتی سهل و ممتنع است که صمیمانه سخن گفتن، اخلاق و صداقت جنبه سهل شخصیت او است و آثار او که نیاز به یک نگاه منتقدانه دارد جنبه ممتنع شخصیت او را شکل می‌دهد.

وی افزود: من یکی از شاگردان محقق هستم که در انجمن ادبی میلاد در همدان از او درس می‌گرفتم آن جلسه به جوانان بال و پر می‌داد. من دو سفر را با محقق همسفر بودم که در یکی از این سفرها که مقصد آن کردستان بود در کنار دره‌ای مشغول عکاسی بودم که در همین حین پروانه‌ای آمد و روی شانه او نشست و موقعیتی فراهم کرد تا من عکاسی کنم. محقق به شدت روحیه طنز دارد و در آثارش این روحیه به چشم می‌آید و همنشینی با او لحظات خوشی را رقم خواهد شد.

* قزلباش: او معلم معلمان کشور است

بهرز قزلباش سخنران دیگری بود که در این مراسم سخن گفت. او با اشاره به وظیفه ادبیات در جامعه که همان آموزش مردم است، گفت: یکی از کتاب‌های فارسی‌زبانان مثلاً شاهنامه برای تربیت ملت‌ها کافی است اما امروز با توجه به این پیشینه درخشان به نظر می‌رسد ادبیات چنین عملکردی ندارد و خیال مردم را تربیت نمی‌کند.

وی افزود: محقق یک شاعر، نویسنده و روزنامه‌نگار خوب است و در هر جایی کار کرده توانسته تولیدات فراوانی را عرضه کند. از یک جهت می‌توان گفت که محقق معلم معلمان کشور است. او در حالی که بازنشسته است اما باز هم جدی و پرمشغول کار است و نشان می‌دهد که برای کارش اهمیت قائل است.

* نادمی: محقق یک فرد بی‌نقاب و بی‌دروغ است

سیداحمد نادمی در بخش دیگری از این مراسم گفت: جواد محقق هر جا که امکان داشته مؤثر باشد در کمک کردن به ادبیات دریغ نداشته محقق جزو معدود سندهای ادبیات انقلاب است و در تمامی نوشته‌های او پدیده انقلاب اسلامی دیده می‌شود.

وی با اشاره به اینکه پیش از شرکت در این مراسم مصطفی علیپور با او تماس گرفته و گفته سخنانی از جانب او بگوید، گفت: این سخنانی که می‌گویم همان سخنان علیپور است که تلفنی به من گفته است محقق مانند شعر نیمایی بردبار، فروتن و با حوصله است. برای نسل من جواد محقق یک برادر بزرگ‌تر در همان معنای خاص و فرهنگی برادر است و او برای من و نسل من مرجعیت دارد و برای بسیاری از دغدغه‌های ذهن و دل باید به او مراجعه کرد هر جا جواد محقق حضور دارد آنجا احساس امنیت نیز دیده می‌شود و این برایم نیز معنادار است و به آن شهادت می‌دهم. جواد محقق یک فرد بی‌نقاب و بی‌دروغ است.

نادمی در پایان گفت: تاکنون حق محقق تحقق پیدا نکرده بود زیرا او در تمام فعالیت‌های فرهنگی حضور داشته و در وجودش چیزی است که اگر سراغ او نرویم دچار خسران می‌شویم.

* حرف حق را از محقق گوش کن

حسین قرایی دبیر شب شاعر گفت: جواد محقق‌ها مظهر وفاق هستند البته این جماعت زیر بار نماینده مجلس یا وزیر شدن نمی‌روند اما باید به واسطه این افراد جبهه فرهنگی انقلاب را به معنای واقعی شکل داد. محقق‌ها تراز آموزش و پرورش و فرهنگ انقلاب هستند. خودم هرگاه در کاری گیر می‌کنم یاد این بیت مرحوم آغاسی می‌افتم که حرف حق را از محقق گوش کن و همین موجب می‌شود که به او زنگ بزنم و از او مشورت بخواهم. به نظرم در کارها باید به محقق‌ها بازگردیم.

* درسی که از محقق باید گرفت

مصطفی محدثی خراسانی در بخش دیگری از این مراسم گفت: درسی که می‌توان از این ادیب جامع‌الاطراف و اهل معرفت اجتماعی گرفت این است که او شاعر انقلاب است و مواضع روشنی دارد و در بزنگاه‌های خاص موضعش روشن بوده اما با تمام شاعران از هر طیف و سلیقه دوست و رفیق است و این بزرگ‌ترین درسی است که می‌توان از او گرفت که می‌توان شاعر انقلاب بود اما همه را دوست بداریم و دوست داشته شویم.

* محقق یک کتاب‌شناس برجسته است

محمدرضا سنگری در بیست و یکمین شب شاعر گفت: پنج عنصر اساسی در تکوین شخصیت محقق را باید مطرح کرد یکی از ویژگی‌های او این است که اهل سیر آفاق و انفسی است و همین اهل سفر بودن او ویژگی برای او به شمار می‌رود. همچنین شبکه ارتباطی و اجتماعی او قابل ذکر است و همین مسئله یکی از عناصر شخصیت او است.

وی افزود: خانواده دیگر عنصر مؤثر در شکل‌گیری شخصیت محقق است و تأثیر همسر او در زندگی محقق به چشم می‌آید. همچنین فرزندانش دلیلی بر این مدعا است. خلوت‌ها و تأمل چهارمین عنصر در تکوین شخصیت محقق است. نثر محقق به شعر او تنه می‌زند در حالی که به نظرم برخی شاعران در نثر ضعیف دارند که البته این ناشی از تأمل‌های محقق است. چهره‌های علمی، ادبی و هنری چند نسل در محقق جمع شده‌اند و در این مورد باید از او استفاده کرد. نیم قرن شناخت از گذشته ادبی و فرهنگی کشور در محقق جمع است. همچنین عشق‌ورزی به کتاب و کتاب‌شناس بودن او دیگر بعد شخصیتی وی محسوب می‌شود.

* محقق یکی از ۱۰ شاعر کودک دهه اول انقلاب است

محمد گودرزی دهریزی پژوهشگر و محقق در این مراسم گفت: وقتی نام محقق می‌آید چهار جنبه در ذهن هر کس برجسته می‌شود. شعر بزرگسال، نثر، فعالیت‌های فرهنگی و شعر کودک این چهار جنبه هستند. دهه ابتدایی انقلاب ۱۰ شاعر کودک ظهور کردند که آنها پشتوانه شاعران بعدی شدند و جواد محقق یکی از آن ۱۰ نفر است.

وی افزود: شاعران کودک از یک منظر به دو دسته تقسیم می‌شوند. آنهایی که با شعر کودک کار خود را شروع می‌کنند و دسته دوم هم شاعران بزرگسالی هستند که شعر کودک سرورند. زبان شعر کودک محقق دارای یک سخاوت است و او در حالی که شاعر بزرگسال است اما برای نوجوان، کودک و حتی خردسال شعر گفته و به صورت موازی آنها را پیش برده است.

گودرزی دهریزی گفت: مضامین مرتبط با انقلاب، دفاع مقدس و مدرسه در اشعار او دیده می‌شود و به نوعی می‌توان گفت که محقق در اشعارش معلمی خود را فراموش نکرده است. حضور محقق در شعر کودک ظرفیت‌هایی را ایجاد کرده که نمونه‌ای از این ظرفیت‌ها کتاب‌های او است.

محقق حلقه وصل است

محمود عبدالحسینی دیگر سخنران این مراسم بود که گفت: هنر، اخلاق و تعاملات اجتماعی را می‌توان در شخصیت محقق پیدا کرد. در مورد هنر او همه امروز صحبت کردند. در اخلاق هم که همه با او آشنا هستند و تربیت دو پسرش نمونه این اخلاق است زیرا او علاقه‌مند به خانواده‌اش است اما در تعاملات اجتماعی او بسیار آرامش دارد و در برخورد با مسائل مختلف اهل طمأنینه است که البته به معنای خونسردی او نیست. در واقع می‌توان گفت که محقق حلقه وصل است.

ما قدر شاعران خود را نمی‌دانیم

حجت‌الاسلام سیدعبدالله حسینی در ادامه این مراسم گفت: یکی از شاعرانش که اسمش به خودش می‌آید جواد محقق است زیرا برخی شاعران اسمشان به خودشان نمی‌آید مثلاً قزوه یا برای مثال بیابانکی.

اینکه من می‌گویم حاصل تجربه من است من حدود ۸۰ کشور را رفته‌ام و تنها ۲۲ سال در آفریقای جنوبی زندگی کرده‌ام. من در اغلب شاعران انگلیسی‌زبان که اسمی در کرده‌اند جست‌وجو کرده‌ام اما به نظرم مطرح‌ترین شاعران انگلیسی از شاعران درجه دو و سه ما کمتر هستند. اما به خاطر ستاره‌های درخشان آسمان شعر فارسی برخی کمتر دیده شده‌اند.

محقق مصدر است

مجتبی رحماندوست نماینده مجلس شورای اسلامی در سخنانی کوتاه گفت: محقق از جمله افرادی است که حتی بدون داشتن مدرک دانشگاهی هم مرجع و مصدر هستند و برای فهمیدن آنها نیاز به استدلال نیست.

شرمنده انقلاب هشتم

جواد محقق در پایان این مراسم گفت: خوبی‌هایی که در افراد بود به من نسبت داده شد و من خود را شایسته آن نمی‌دیدم. من همیشه شرمنده مردم و انقلاب بوده‌ام و شرمندهم که امروز باعث زحمت دوستان شده‌ام تا این راه طولانی را طی کرده و در اینجا شرکت کنند.

در پایان این مراسم از فعالیت جواد محقق توسط سازمان هنری رسانه‌ای اوج، مؤسسه شهرستان ادب، حوزه هنری و بنیاد شعر و ادبیات داستانی ایرانیان تقدیر به عمل آمد.

در این مراسم عباسعلی براتی‌پور، یاور همدانی، مصطفی محدثی خراسانی، اسماعیل امینی، کمال شفیعی، بابک نیک‌طلب، عزت‌الله الوندی، بهروز قزلباش، علی محمد مؤدب، محمدرضا زائری، محمدعلی گودینی، سیداحمد نادمی، سیداکبر میرجعفری، میلاد عرفانپور، محمود عبدالحسینی، محمدحسین نعمتی، ابراهیم زاهدی مطلق و جمع کثیری از چهره‌های هنری و ادبی شرکت کرده بودند.

در وصف پیامبراکرم(ص)

هلا ستاره شب‌های مکه و تاریخ!

فرشته‌ای که فرود آمد

تو را چه گفت

که تا امروز

تمام جان و جهان را

به‌خویش می‌خوانی

و تا زمین و زمان هست

زنده می‌مانی؟

اگرچه بعد تو ای سبز

باغ‌ها زردند

و خیل مردنمایان شهر

نامردند،

ولی هنوز کسانی که با تو هم‌سویند

غبار غصه ز چشمان شهر

می‌شویند

اگرچه نیستی اما

هنوز بانگ بلال از مناره می‌آید

که شهر را به تماشای نور می‌خواند

هنوز خاطره تابناک فریادت

که تا نهایت تاریخ راه می‌پوید

تمام هستی ما را در این خراب‌آباد

به پای کوبی جشن و سرور می‌خواند

هلا ستاره شب‌های مکه و تاریخ!

که طاق کاخ مدائن

به‌خاطر تو شکست

و شعله‌های بلند آشیانه زرتشت

به احترام شب زاندن

به خاک نشست

و ساوه چشم پرآب از هرآن‌چه غیر تو

بست

تو را غروب در این بامداد رنگین نیست

هنوز، بوی تو در باغ‌های عالم هست

حجت‌الاسلام والمسلمین شهیدی:

جانباختگان حادثه منا «شهید»

محسوب می‌شوند

رئیس بنیاد شهید و امور ایثارگران گفت: جانباختگان فاجعه منا شهید اعلام خواهند شد.

حجت‌الاسلام والمسلمین شهیدی معاون رئیس جمهور و رئیس بنیاد شهید و امور ایثارگران در نشست خبری خود با اصحاب رسانه، با اشاره به فاجعه منا در حج امسال که که جان باختن تعداد زیادی از حجاج ایرانی و غیر ایرانی منجر شد، گفت: وقتی اخبار این حادثه توسط آقایان قاضی عسگر و اوحدی خدمت مقام معظم رهبری رسید، ایشان اجازه دادند این عزیزان با عنوان جان باختگان منا در گلزار شهدا دفن شوند.

آقای شهیدی گفت: سپس طی جلساتی که با آقای قاضی عسگر درخصوص اینکه خواسته خانواده عزیزان این بود که جان باختگان منا، شهید محسوب شوند، داشتیم. قرار شد به گونه‌ای باشد که تمایزی بین این شهدا با شهدای جنگ صورت گیرد. بحث‌های زیادی صورت گرفت و بنا براین شد این عزیزان «شهید منا» اعلام شوند.

وی گفت: در این زمینه مسائلی مطرح شد و به تفاهم رسیدیم که از این به بعد این عزیزان شهیدند و در ابعادی تحت پوشش بنیاد خواهند بود که زمینه‌های این خدمات را اعلام خواهیم کرد.

حجت‌الاسلام والمسلمین شهیدی افزود: این عزیزان فقط از خدمات فرهنگی بنیاد استفاده خواهند کرد و تنها همسر و فرزندان تحت حمایت بنیاد خواهند بود و وقتی مراجعه کنند بنیاد کارت برایشان به عنوان خانواده شهدای منا صادر می‌کند.

وی گفت: فرزندان شهدای منا از مدارس شاهد و سهمیه دانشگاه استفاده می‌کنند و همه فرزندان از خدمت سربازی معاف خواهند شد.

همچنین خانواده‌ها از مراکز مشاوره و مددکاری می‌توانند در سراسر کشور استفاده کنند.

رئیس بنیاد گفت: سازمان حج و زیارت هم در مورد بیمه تقبل کرد سالانه حق بیمه را بپردازد و این موضوع شامل افرادی می‌شود که بیمه ندارند.

رئیس بنیاد شهید با بیان اینکه سالانه تعدادی از این عزیزان را به سفرهای زیارتی اعزام خواهیم کرد و سهمیه برایشان قائل هستیم، افزود: روی قبور این عزیزان طبق بخشنامه‌ای که خواهیم داد نام شهید حک خواهد شد.

معاون رئیس‌جمهور با اعلام این مطلب که ۴۲ شهید منای ما از جمله فرزند سردار انصاری جانشین رئیس بنیاد شهید، در مدینه دفن شدند که خانواده‌ها اعلام کردند پیکرها همان‌جا بمانند و ما در خدمت خانواده این عزیزان نیز خواهیم بود.

در این نشست خبری سعید اوحدی رئیس سازمان حج و زیارت نیز اعلام کرد: همانطور که به خانواده‌ها گفته بودیم کار در چند مرحله انجام شد.

وی افزود: پیکر تمام عزیزانی که خانواده‌هایشان می‌خواستند برگردد برگشت و در گلزار شهدا دفن شد. یکی دو مورد از مراحل نیز وجود دارد که در حال پیگیری است.

وی گفت: این حادثه همه را داغدار کرد و همه وظیفه دارند نهایت تلاش را برای به سرانجام رسیدن این پرونده انجام دهند.

رئیس سازمان حج و زیارت اعلام کرد: این شهدا مانند شهدای مدافع حرم و هسته‌ای هستند و از مقام معظم رهبری هم تشکر می‌کنیم زیرا فراتر از آنچه ما فکر می‌کردیم ایشان انجام دادند و در بین همه کشورها ایران اولین کشوری بود که توانست اجساد را شناسایی کرده و برگرداند.

چند نکته تاریخی

در پایان این سخنان چند نکته را ضروری می‌دانم که در این نشست به آنها اشاره کنم.

نکته اول: ابتکار طرح ملی شدن نفت

همه ساله در ۲۹ اسفند جراند وابسته به ملی‌گراها که تعدادشان هم کم نیست و نمی‌خواهم از آنها نام ببرم، مدعی می‌شوند که پیشنهاد دهنده اصلی ملی کردن نفت مرحوم دکتر فاطمی بوده است و استناد آنها به گفته‌های آقای دکتر مصدق در این زمینه است.

آقای دکتر مصدق در کتاب خاطرات و تألمات خود (صفحه ۲۳۰) می‌نویسد: «ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور ابتکار شادروان دکتر حسین فاطمی است. دکتر فاطمی با من که رئیس کمیسیون نفت در مجلس شورای ملی بودم گفت با وضعی که در این مملکت وجود دارد استیفای حق ملت کاری است بسیار مشکل... ایران باید نفت خود را در سراسر کشور ملی کند تا دنیا بداند که نمایندگان جبهه ملی جز آسایش مردم چیزی نمی‌خواهند... این بود که با نظرات آن شادروان موافقت نمودم و ایشان پیشنهاد خود را در جلسه‌ای که در خانه آقای نریمان تشکیل گردید مطرح نمود و مورد موافقت حضار قرار گرفت!»

اما آقای دکتر سنجابی در خاطرات خود: امیدها و ناامیدی‌ها، صفحه ۹۰، مدعی است که او اولین شخصی بوده که به این فکر افتاده و آن را رواج داده است... و روزی به پیشنهاد مرحوم علی حجتی کرمانی، در سه راه امین حضور به دیدار همشهری او دکتر مظفر بقائی رفتم... آقای دکتر بقائی در آن جلسه مدعی شد که او طراح اصلی مسئله ملی شدن نفت بوده است و شادروان حسین مکی که در آن دوران سرباز وطن نام گرفته بود، بعدها به اینجانب نقل کرد که طراح اصلی او بوده است.

یعنی در اواخر عمر مرحوم مکی، آقای خسرو معتضد به من زنگ زد که آقای مکی دچار ناپیایی شده و احوال شما را می‌پرسد؟ بی مناسبت نیست که دیداری با او داشته باشید و من همراه خود ایشان یا یکی دیگر از دوستان به منزل آقای مکی رفتم و فرصتی پیش آمد که یکی دو ساعت درباره حوادث دوران نهضت ملی و علل پیدایش اختلافات به گفتگو پرداخته شود... در آن جلسه آقای مکی گفت طراح اصلی پیشنهاد ملی شدن نفت در جلسه جبهه ملی او بوده است... اما تا آنجا که ما می‌دانیم و اسناد نشان می‌دهد، طراح اصلی این پیشنهاد هیچ یک از آن آقایان نبوده اند و اگر هم پس از حذف رزم آرا و هژیر و تشکیل مجلس شورای ملی در سال ۱۳۳۰ در جلسه خصوصی آقایان موضوعی مطرح شده، این سابقه امر نیست. بلکه شهید نواب صفوی نخستین کسی بود که در کتاب «راهنمای حقایق»، با مانیفست فدائیان اسلام که در سال ۱۳۲۸ - یعنی دو سال قبل از تاریخ ادعایی آقایان - چاپ شده به صراحت خواستار ملی شدن نفت شمال و جنوب شده است.

در کتاب راهنمای حقایق چنین آمده است:

«نفت و هر چیز دیگر ایران سرمایه ملت مسلمان ایران و فرزندان اسلام و ایران بوده و هیچ بیگانه‌ای را حق تصرف در آن و تجاوز بدان نبوده و نیست و نخواهد بود.

نفت ایران سرمایه مسلم ملت مسلمان ایران و فرزندان اسلام و ایران است، هیچکس را حق هیچ گونه نظر و رأی و تصرفی در سرمایه دیگری مطابق هیچ قانون و منطقی نمی‌باشد. ملت مسلمان ایران بایستی نفت و هر سرمایه دیگر خود را در هر کجای ایران، غرب و شرق و جنوب و شمال و در هر نقطه از نقاط وطنش ایران یا خانه بیرون آل محمد باشد، خود به بازوی توانای خود به باری خدای توانا استخراج و تصفیه نموده، به هر اندازه که برای مصرف داخلی خود و چراغ خانه اش احتیاج داشت برداشته مصرف کند و زیادی آن را برای خویش به هر مملکتی که بهتر خرید و یا به طور تساوی، به همه خریداران دنیا از ملل مختلف بفروشد و

ملت خویش را از این فقر و تنگدستی نجات دهد و ضمناً احتیاجات نفتی دنیا را هم از نفت زیادی خود برآورد.

آری نفت و هر چیز دیگر ایران سرمایه ملت مسلمان ایران و فرزندان اسلام و ایران بوده هیچ کس و هیچ دولت و حکومتی حق تصرف در آن و تجاوز بدان را نداشته و ندارد و نخواهد داشت.»

شهید نواب صفوی سپس بخش‌های آخر کتاب خود را به غیرقانونی بودن حکومت شاه اختصاص می‌دهد و از جمله می‌نویسد: «حکومت کنونی غیرقانونی است، ما ملت

مسلمان ایران و فرزندان اسلام و ایران به دنیا، انگلستان و روسیه و آمریکا و سایر ملل و حکومت‌های دنیا اعلام می‌کنیم که حکومت کنونی ایران حکومت قانونی و ملی نبوده و رسمیت ندارد.

زبان‌های عموم ملت ایران همیشه از جنایات غاصبین حکومت اسلامی ایران آه و ناله و فریاد می‌کنند... و سپس به طور صریح و شفاف، شاه و هیئت حاکمه را به طور مطلق فاقد صلاحیت برای اداره کشور می‌نامد... علاوه بر این، فدائیان اسلام در نخستین میتینگ عمومی خود که در تاریخ یازده اسفند ۲۹ در «مسجد شاه» برگزار شد، رسماً خواستار ملی شدن نفت ایران گردید و دشمنان داخلی و خارجی آن را تهدید به انتقام نمود:

سررتیب متین دفتری رئیس شهربانی کل کشور، در گزارشی به نخست وزیر که همان ژنرال رزم آرا بود چنین می‌نویسد:

«سند شماره ۱۴

گزارش اجتماع جمعیت فدائیان اسلام در مسجد شاه تهران در انتقاد از دولت حاجلی رزم آرا و حمایت از ملی شدن نفت

وزارت کشور، شهربانی کل کشور، اداره کارگاهی تاریخ: ۲۹/۱۲/۱۴ [۱۳]، شماره: ۵۰۵۸۲ - ۱۴۳۹۵۷/۸۶۲۰، محرمانه است.

مطابق گزارش قسمت مربوطه معروض می‌دارد: برحسب دعوتی که از طرف فداییان اسلام برای شرکت در میتینگ روز ۱۱ ماه جاری به عمل آمده بود، از ساعت ۱۴ جمعیتی در حدود چهارهزار نفر که اکثر آن‌ها تماشاچی و از کسبه و اصناف بوده، متدرجاً در مسجد شاه اجتماع نموده و پس از تلاوت آیاتی از قرآن، دو بلندگو، یکی در داخل و دیگری، بالای جلouxان مسجد، به طرف خیابان بوذرجمهری نصب و در ساعت ۱۴ و ۵۰ [دقیقه] سید جلال رضوی از پشت میکروفن آیاتی از قرآن تلاوت و بعد عبدالله کرباسچیان، مدیر روزنامه نبرد ملت، اظهار داشته است که به کوری چشم دولت فعلی، جمعیت فداییان اسلام اولین میتینگ خود را شروع می‌کند و ضمناً چند جمله از مرام فداییان اسلام را در مورد دین اسلام قرائت و سپس سید عبدالحسین واحدی پشت بلندگو قرار گرفته و می‌گوید قصد نداشتم امروز صحبت کنم، ولی وجود عمال پست و خائن دولت پوشالی رزم آرا که مأموریت دارند این اجتماع مقدس را مختل نمایند، وادارم کرد که سخنی چند بگویم. آقای رزم آرا [ی] خائن تصور می‌نماید که با داشتن چند تیکه آهن پاره و چند توپ و تفنگ فرسوده می‌تواند جمعیت ما را متفرق نماید، غافل از اینکه این آهن پاره‌ها جز بر استوار کردن دولت ایشان کار دیگری انجام نمی‌دهند. ما فداییان اسلام از این اخلاگری‌ها و مأمورین لباس آبی و زرد واهمه نداشته و از این تهدیدات بیمی نداریم. در این موقع بین عده‌ای از جمعیت تظاهرات و مشاجره شده و یک نفر از آن‌ها به نام سید محمود بهرامی، قهوه چی، در حوض مسجد افتاده و افراد فداییان اسلام او را بیرون آورده و به مشاجره خاتمه دادند.

پس از اعاده نظم، واحدی به بیانات خود ادامه داده و اظهار می‌دارد: رئیس دولت و حتی اربابان او هم نمی‌توانند این جمعیت مقدس را از عقیده و عزم راسخ خود منحرف نمایند و ضمن صحبت، به رؤسای

گفتاری از استاد خسروشاهی



جمهوری و سلاطین کشورهای انگلیس و شوروی و آمریکا اهانت و بدگویی نموده و می‌گوید اگر دولت و ملت انگلستان دست از نفت ایران برندارند و نفت را به ملت ایران پس ندهند، با همان نفت ژرژ و اتلی، کلیه ملت انگلیس را آتش خواهیم زد و همچنین چنانچه شوروی دست از نفت شمال بردارد، همین معامله را با رؤسای آن‌ها نموده و استالین را آتش خواهیم زد و ضمناً کلمات زنده و موهنی ادا نموده و به اظهارات خود به این نحو ادامه داده که اگر نمایندگان مجلس با ملی شدن صنعت نفت نظر موافق ندهند، نابود خواهند شد و ضمن ارائه عکس سید حسین امامی، قاتل مرحوم هژیر، او را شهید در راه حق و عدالت و فداییان اسلام را مدافع آن معرفی و در ساعت ۱۸ میتینگ خاتمه و واحدی مزبور در بین جمعیت کثیری از مسجد خارج گردیده است.

رئیس شهربانی کل کشور، سررتیب دفتری [امضا]

[مهر]: ورود به دفتر محرماتۀ نخست وزیر

شماره: ۴۹۳۱/۴، تاریخ: ۲۹/۱۲/۱۴

بدین ترتیب باید پذیرفت که نخستین پیشنهاد دهنده ملی کردن صنعت نفت شهید نواب صفوی بوده است نه دوستان جبهه ملی.

نکته دوم: پشیمانی نواب!

برادر عزیز و ارجمندی در مصاحبه با روزنامه شرق، اخیراً مدعی شده بود که طبق روایت شادروان مهندس عزت الله سحابی، شهید نواب، پس از کودتا و روی کار آمدن ژنرال زاهدی از مخالفت‌های خود با حکومت دکتر مصدق پشیمان شده بود!

این مسئله به آن شکل نیست که نقل شده، بلکه داستان از این قرار است که شهید نواب صفوی که در زمان کودتای ۲۸ مرداد در سفر به کشورهای عربی: عراق، مصر، اردن، لبنان و سوریه بود، پس از مراجعت نخست اعلامیه‌ای بر ضد عملکرد حکومت کودتاجیان صادر نمود و بعد در ملاقاتی در منزل آیت الله زنجانی در بازار که بنده هم حضور داشتم، به دوستان نهضت مقاومت ملی که در واقع اغلب از جناح مذهبی و متدین نهضت ملی تشکیل شده بود، که علاوه بر آیت الله زنجانی و شادروان مهندس سحابی هم در آن جلسه شرکت داشت، و حاج محمود مانیان اواسط جلسه آمد، اعلام نمود که از باب دفع افسد به فاسد! و علیرغم عهد شکنی پیشین جبهه ملی و شخص دکتر مصدق، فدائیان اسلام حاضرند با نهضت مقاومت ملی همکاری کنند.

بنده با نهضت مقاومت ملی، توسط مرحوم استاد سید جلال آشتیانی و آیت الله زنجانی همکاری عملی داشتم و چند بار در جلسات آن شرکت نمودم و مهندس سحابی نیز عضو فعال نهضت مقاومت بود، شهید نواب پیشنهاد داد که برای سرنگونی رژیم کودتا، اگر لازم باشد به حذف فیزیکی ژنرال زاهدی اقدام کنند و در ضمن اشاره کرد که اگر دوستان زمینه‌ای فراهم سازند که ما یک نفر را ولو به عنوان «کارگر» یا «باغبان» به داخل منزل زاهدی نفوذ دهیم، می‌توانیم این کار را به سرعت انجام دهیم و عهدشکنی دوستان را ندیده می‌گیریم.

در واقع شهید نواب صفوی با رژیم کودتایی مخالف بود و اعلام آمادگی برای همکاری با نهضت مقاومت هم به عنوان ادای تکلیف بود، نه به عنوان پشیمانی از مخالفت با حکومت آقای دکتر مصدق...

بخش پایانی

موازین شرعی مبارزات نواب صفوی و فدائیان اسلام

نکته سوم: اقدام آیت الله

بروجردی درباره فاطمی

نکته سوم آنکه: دوست سابق ما که اخیراً به خاطره نویسی می‌پردازد، در نقل خاطره ماندی! در سالروز اعدام شادروان دکتر فاطمی مدعی شده بود که آیت الله بروجردی برای نجات جان دکتر فاطمی اقدامی نکرد و به روایت از مرحوم آیت الله زنجانی، مدعی می‌شود که آیت الله بروجردی به واسطه امر گفت: این امر فایده‌ای ندارد، چون انگلیسی‌ها با او دشمن هستند!

البته این جمله خود گویای کذب بودن آنست چرا که معقول نیست مرجع تقلیدی

آن هم در سطح آیت الله بروجردی، به بهانه اینکه انگلیسی‌ها با دکتر فاطمی دشمن هستند، از وساطت در امر خودداری کند. البته خاطره سازها که در آن زمان کودکی بیش نبوده اند و معلوم نیست که چگونه مطلبی را از آیت الله زنجانی که مرحوم شده، نقل قول می‌کنند؟ ولی ما که همواره با آیت الله زنجانی ملاقات داشتیم، هیچوقت همچو مطلبی از آن مرد پاک نهاد نشنیدیم؟

و از همه مهم تر آنکه چون بنده در قم، همیشه پی‌گیر این قبیل اخبار بودم، شاهد هستم که مرحوم آیت الله بروجردی با اعزام حاج احمد خادمی، پیشکار خود به تهران، از شاه خواسته بودند که «فاطمی را مورد عفو قرار دهد و حکم اعدام او را امضا نکند» و همین امر را در مورد شهید نواب و یارانش هم انجام داده بود. ولی در هر دو مورد یا پیام آیت الله بروجردی به درستی به شاه منتقل نشد و یا اعوان و انصار شاه، به واسطه اعزامی اطمینان داده بودند که این‌ها اعدام نخواهند شد و سپس آیت الله بروجردی را در مقابل عمل انجام شده قرار دادند...

به هر حال جعل حدیث و نقل خاطرات بی اساس درباره حوادث نهضت ملی و مسائل بعد از آن، آن هم از سوی کسانی که از لحاظ سنی نمی‌توانستند در مقامی باشند که از این حوادث مطلع گردند، روش پسندیده‌ای نیست به ویژه که بعضی از شاهدان عینی حوادث آن دوران هنوز زنده هستند.

نکته آخر: اقدام مسلحانه انقلابی یا ترور؟

استاد احمد مهدوی دامغانی از آمریکا در پاسخ به خبرنگار روزنامه‌ای که درباره ترور و اقدامات «داعش و امثال آن» سؤال کرده، چنین می‌گوید: «الاسلام قید الفتک» در اسلام نباید کسی را ترور کرد. چهل و نادانی بر اینها مسلط است و تعبیر بد از مسلمانی دارند، نه قرآن را می‌فهمند و نه حدیث و سنت و سیره پیامبر را متوجهند. اینها چه ربطی به اسلام دارند؟»

البته بخش اول مطلب ایشان قابل نقد و بررسی است به ویژه که سؤال کننده «داعش و امثال او» را مطرح می‌سازد! و اصولاً اینکه الاسلام قید الفتک، به آن مفهوم نیست که ایشان تصور نموده اند.

در دفاع مشروع از استقلال یک جامعه اسلامی در قبال تهاجم فرهنگی - سیاسی - اقتصادی، می‌توان به «اعدام انقلابی» و «حذف فیزیکی» دشمنان اقدام کرد. و به همین دلیل هم آیت الله طالقانی در سخنرانی معروف خود در احمد آباد، فدائیان اسلام را صریحاً «تیروهای انقلابی مسلحانه» و شادروان مهندس سحابی در روزنامه اطلاعات، فدائیان اسلام را «گارد ضربت جبهه ملی» می‌نامد که بدون آنها جبهه ملی پیروز نمی‌شد و نفت هم ملی نمی‌گردید.

این قبیل اقدامات در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ثبت شده که در مواردی، پیامبر دستور اعدام دشمنانی را که با اعمال خود امنیت و ثبات جامعه اسلامی را به خطر می‌انداختند، صادر نموده است.

ادامه در صفحه بعد

سپس با بسته‌بندی و لیبل زنی در چند زبان و به تعداد ۹۰ قوطی آنها را به دنیای هنرمندان و هنردوستان در آمریکا و ایتالیا در مغرب زمین عرضه کرد !!

این ارزشگذاری به بی‌ارزشی‌ها با پشتیبانی ماشین مغزویی رسانه غربی منجر به خرید مدفوع هنرمند هم وزن طلا شد و حتی گالری مشهور تیت لندن به قیمت ۲۳۳۰۰ پوند و سپس در سال ۱۳۸۶ در حراج ساوسبی به قیمت ۱۲۴۰۰۰ یورو آنها را معامله کردند.

کشور ما نیز از آسیب‌های بی‌معنی سازی هنر و اندیشه و دم دستی شدن آن در امان نماند و پوچ گرایی و ژست‌های روشنفکری سنت‌های زیبا و لطیف و ارزش‌ها را تحت تاثیر قرار دادند تا آنجا که مجسمه از «هیچ» ساخته شد. که آثار آن هنوز با غلبه ژست‌های روشنفکرمانه در برخی ساختارها همچنان دیده می‌شود!

واقعا چگونه یک مکعب پیچ خورده رقصی به نام سماع شمس تبریز و پشت سر او پیر فریفته‌اش مولانا را به ترسیم می‌کشاند! ارزش هنر با بار سیاسی و براساس تاثیرگذاری آن در ارزشهای اخلاقی و فرهنگی و سنت جوامع تعیین میگردد. امروز حتی کلیسای روسیه نیز در مقابله با تفکر ضد اخلاقی به ظاهر مدرنیته برآمده است. کشیش‌های روسی در نکوهش رسانه‌های غربی و پروپاگاندای دفاع از مدرنیته غرب برآمده‌اند ولی.....



تبریز دارای باغی به نام باغ شمس تبریز است که تلاش‌های بسیار مانع از تفکیک و تبدیل آن به برج‌ها و خانه‌های یقه سفیدان شده و حتی از چنگال آنان درآورده شده است و شهرداری تبریز توانسته محیطی امن برای بانوان و خانواده‌ها در آن بیافریند؛ تندیسی بسیار زیبا برای شمس تبریز در این باغ خودنمایی می‌کند که برای شمس شهر تبریز کفایت می‌کند.

ساختن آلمانهایی عجیب و بی‌ریشه آن هم به نام شمس و با ادعای احیای ریشه تاریخی تبریز هیچ منطق نمی‌یابند، آنجا که هنوز هنر تندیس آنقدر فقیر است که مجسمه‌های سرداران رشیدش را با ترکیب بندی اسطوره و رشادت و بزرگ نمی‌توانند بسازند؛ رجوع به این گونه الگوها حرکتی منفی در فرهنگ و هنر و منظر شهر و روح آن است. هنوز هنر بومی و در ارتباط با فولکلور و مردمی جایگاه مستحکم خود را نیافته‌اند و هنرمند متعهد برای حضور در عرصه هنر باید از دهها خاکریز ارشادی عبور نماید و در این احوال ترویج مدرنیته آن هم از نوع توخالی از سوی سازمان‌های مرتبط با شهرداری و کنارتشینی متولیان فرهنگ در فقدان حمایت از هنر سنتی و ملموس و فرح بخش و با معنی برای مردمان ممکن است با توجه به ضعف بنیه هنر مرسوم، حمایت از خود بیگانگی و راهی به سمت انحطاط در هنر و به سوی مجسمه و یادمان‌های سیخیف دیدن و آلودگی بصری به جای مناظر و حذف ساختارهای ژرف گردد. توقف احداث این ساختار بی‌معنی در نظام ارزشی جامعه و معرفی دست اندرکاران برای آشنایی و آموزش با مفاهیم هنر، فرهنگ و شهر؛ شاید تنهاترین امکان ممکن برای این سنت شکنی و بی‌هنجاری باشد.

توفیق وحیدی آذر - روزنامه جمهوری اسلامی

بی هویتی یادمان شمس در تبریز



تعریف سه بعدی نقوش دو بعدی ایرانی - اسلامی است. نقوشی که با تکنیک‌های مدرن نرم انجام شده‌اند.

مشهدی عباد در فیلم او الماسون بو السون می‌گوید «من تاریخ نادری نی یاربه قدر اوخوموشام، باشا دوشمدیم بو نه دئییر! بو عامی جماعت هاردان بیله جک لر!»

یعنی اینکه من تاریخ نادری را تا نصف خوانده‌ام، متوجه حرف‌های این مرد نشدم این مردم ساده دل از کجا متوجه خواهند شد.

باغ گلستان و منطقه اطراف آن یک منطقه معمولی نیست، بلکه یک ماجراست؛ نمودهای مختلف طبقات شهری در آنجا حضور دارند از فروشنده لباس مندرس و یا کفش پینه دوزی شده تا رادیو فروش سیار، یکی دو چرخه می‌فروشد و دیگری خروس و گربه و سگ و... اما در پیاده روی ضلع جنوبی باغ گلستان یک ماجرای جالبی نیز در حال اتفاق است ده‌ها دکه به فروش کتاب تازه و دست دوم مشغول اند؛ از تمام افرادی که در آنجا حاضر بودند پرسیدم معنی و مفهوم این بنا چیست؟! آنچه که باور عمومی بود بی‌معنی بودن آن ساختار جدید و پول اضافی داشتن بنیان آن بود! کتاب فروش هم معنی ساختار جدید را نمی‌دانست مردم کتابخوان هم - مردی که شلوار کهنه در پای یادمان می‌فروخت

در دوران خلیفه سوم، به علت دور شدن حکومت از اهداف اصلی نبوی، عده ای به منزل او حمله کرده و خلیفه را به قتل رساندند. دلائل اقدام آنها را سید قطب در کتاب «عدالت اجتماعی در اسلام» (چاپ جدید، صفحه ۲۸۰) و برادرش محمد قطب در کتاب «انسان بین مادیگری و اسلام» (چاپ جدید، صفحه ۷۷) شرح داده و با آمار و ارقام نشان داده اند که حکومت در آن دوران، در اختیار خلیفه نبود بلکه «بنی امیه» بودند که حکومت را در اختیار داشتند و بیت المال را با بذل و بخشش‌های سرسام آور غارت می‌کردند و این بود که هر دو اندیشمند و پژوهشگر مصری می‌نویسند: «اقدام قیام کنندگان بر ضد خلیفه پیر که توان و کارایی لازم را برای اداره امور نداشت، با روح اسلام راستین سازگارتر است!» البته این اعتراف دو نویسنده معروف از اهل سنت است و ما بدون هیچگونه اضافاتی، آن را از کتاب‌های فوق، که هر دو را به فارسی ترجمه کرده ایم، آورده ایم...

... در عصر ما هم صدور فتوای تاریخی امام خمینی درباره وجوب قتل سلمان رشدی که مقدسات اسلامی را مورد حمله قرار داده و به پیامبر اکرم هتاک می‌نموده و آیات قرآن مجید را آیات شیطانی! نامیده بود، نشان می‌دهد که «فتک» یا قتل غافلگیرانه در صورتی که دشمن، اصل اسلام را هدف قرار دهد، بلامانع خواهد بود.

یعنی می‌توان چنین استنباط کرد که فتک یا قتل غافلگیرانه در مورد کسی مجاز نیست که در پناه امنیت نظام و جامعه اسلامی زندگی می‌کند و قصد تخریب و تحریک و اقدامات ضد امنیت ملی را ندارد و عامل و مزدور اجانب نیست و در راه مصالح دشمن کار نمی‌کند.

باغ گلستان تبریز یکی از تفرجگاه‌های قدیمی شهر به شمار می‌رود. این باغ بر روی قبرستان گجیل احداث گردیده است، دیوارهای آن در زمانی که دستگاه‌های مدرن تراش سنگ و ابزارهای جوشکاری وجود نداشتند با تراش دستی سنگتراشان و با چکش و قلم و پرچ آهن توسطه آهنگران به هم اتصال یافتند و سال‌ها محافظ باغ شرقی از ورود بیگانه به آن بودند.

در یک شب با یک تقلید غلط لودرها دیوارها را به همراه درختان کهنسال بر زمین نهادند و آثار دست هنرمندان صنعتگر نابود شدند و باغ در یک منطقه مشکل، بی‌حفاظ درختان تنومند و دیوارهایش رها شد. یک ماه بعد از این ماجرا در یک بازگشت ناقص به عقب، سنگ قرمز آذرشهر نصفه و نیمه با وضعی اسفناک حریم باغ گلستان را مشخص کرد.

چند سال پیش با عناوینی همچون ایجاد جاذبه‌های گردشگری، احیای هویت تاریخی تبریز و شناساندن ابعاد معنوی و عرفانی شمس تبریز عده‌ای قرار بر احداث بنای یادمانی برای شمس تبریز با هزینه از جیب مردم در محل باغ گلستان گذاردند و به این منظور ده‌ها اصله درخت قطع و استخر آب داخل باغ تخریب گردید و مردمان همه متعجب از این ماجرا؛ از اینکه چرا در آن سوی خیابان و در محلی شبیه «خیابان شلوع» این بنا ایجاد نمی‌شود که هم مزیت بنای فرهنگی و هم اصلاحی بی‌صدا در بافت «محله شلوع» را داشته باشد! درختان بریده شدند، استخر تخریب شد و یک مکعب مستطیل پیچ خورده به عنوان نمود احیای هویت تاریخی تبریز و نمودی از شمس تبریز در محل ایجاد شد.

بنابین بنا مدعی‌اند یک مکعب مستطیل که به چهار سطح تقسیم شده نشان از چهار جبهه عالم و فراگیری و عمومیت است. حال چرا استوانه برای این منظور بکارگیری نشده که کل ابعاد را دارد جای سوال ایجاد می‌کند، این چهار سطح با چرخش حول محور ثقل مکعب اولیه هماهنگی یافته‌اند و یادآور سماع شمس و مولانا هستند؛ زیرا آنها می‌گویند سماع را شمس به مولانا آموخت. یعنی پیچانیدن مکعب مستطیل به حول یک محور یادآور رقص این دو صوفی‌اند و آن هم مولانا به دنبال شمس!

گفته شده است که در طراحی این یادمان ارائه

ادامه از صفحه قبل

بعضی از این موارد در تواریخ معتبری چون تاریخ طبری، تاریخ یعقوبی، الکامل فی التاریخ ابن اثیر و کتاب طبقات سیره النبی نقل شده است.

در سال سوم هجری کعب بن اشرف با سروده خود ضمن هجو پیامبر اکرم، مشرکان را به جنگ بر ضد مسلمانان تحریک و تشویق می‌کرد. پس از جنگ بدر، کعب در مکه به سراغ قریش آمد و آنها را برای جنگ دعوت کرد... کعب به طور مرتب در سفر به میان قبایل عرب تخم کینه و نفاق و دشمنی می‌پاشید و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم پس از مشورت با اصحاب، چند نفر را برای اعدام انقلابی نامبرده اعزام نمود که او را در پناهگاهش به کیفر لازم رساندند.

در سال چهارم هجری سفیان بن خالد با تهیه مقدماتی اعراب را برای نبرد با مسلمانان و قتل پیامبر اکرم دعوت می‌کرد که به دستور پیامبر، عبدالله بن انیس، مأمور قتل غافلگیرانه وی گردید و انیس با نفوذ در میان عناصر وابسته به سفیان، در فرصتی مناسب او را به قتل رساند و پس از بازگشت پیامبر اکرم به او گفت: «رو سپید باشی».

ابورفع سلام بن ابی حقیق یکی از سران یهودی قبیله بنی نظیر، مشرکان و اعراب قبایل را برای جنگ با مسلمانان و پیامبر اکرم آماده می‌کرد و طبق نوشته واقعی برای آغاز این اقدام، جایزه سنگینی هم تعیین کرده بود... یکی دو نفر از افراد قبیله خزرجی، برای دفع شر او، از پیامبر اکرم اجازه اقدام خواستند و پس از موافقت پیامبر، او را شبانه در منزل خود با شمشیر به قتل رساندند.

تداوم سرکوب‌ها در بحرین ؛ افزایش زندانیان سیاسی

سازمان‌های حقوقی ادامه رفتار خشونت آمیز رژیم آل خلیفه ضد بازداشت شدگان در زندان مرکزی جو را محکوم کرده اند.

در این زمینه کمیساریای ارشد حقوق بشر سازمان ملل نگرانی خود را نسبت به گزارش‌های منتشر شده از زندان جو در ماه مارس گذشته ابراز کرده است.

جمعیت اسلامی وفاق ملی بحرین نیز از اصرار آل خلیفه بر گزینه های امنیتی ضد معترضان انتقاد کرد و در بیانیه ای اعلام کرد، رژیم آل خلیفه همچنان گزینه امنیتی را در دستور کار خود قرار داده است.

جمعیت وفاق ملی بحرین تاکید کرد، افزایش بازداشت ها و احکام دادگاه ها ضد مردم، وجود بحران سیاسی در بحرین را نشان می هد و در چنین شرایطی از جامعه جهانی خواست تا در خصوص آزادی همه زندانیان سیاسی از زندانهای آل خلیفه تلاش کنند.

«سازمان عفو بین الملل « نیز در بیانیه ای اعلام کرد بحرین و چندین کشور عربی دیگر، با زندانی کردن فعالان حقوق بشر، مخالفان، رهبران سیاسی و منتقدین، آزادی بیان را به بهانه مبارزه با تروریسم سرکوب کرده اند.

عفو بین الملل خاطرنشان کرد، رژیم آل خلیفه در طول این سالها، تنها تعداد اندکی از کسانی را که مسؤول اقدامات خشونت بار و قتل و شکنجه شهروندان بحرینی بودند، محاکمه کردند اما درآقدامی سرکوبگرانه اغلب شهروندان معترض محاکمه شده اند.

این سازمان حقوقی به نقل از نبیل رجب، فعال حقوقی برجسته بحرین افزود، اغلب فعالان حقوق بشر و رهبران سیاسی بحرینی پشت میله های زندان هستند و رژیم آل خلیفه برای سرکوب معترضان آنها را به حبس های طولانی مدت و حبس ابد محکوم کرده است.

سازمان های بین المللی مدافع حقوق بشر و مردم بحرین بارها از نظام آل خلیفه خواسته اند بازداشت و حکم های سیاسی ضد شهروندان این کشور را پایان دهد. در ادامه واکنشها به اقدامات سرکوبگرانه آل خلیفه ، بیست و هفت سازمان مدافع حقوق بشر در بیانیه‌ای با اشاره به لزوم لغو همه اتهام‌ها ضد نبیل رجب ، رئیس مرکز حقوق بشر بحرین ، تاکید کردند باید برای همه فعالان حقوقی در این کشور فرصت فعالیت در زمینه دفاع از حقوق بشر، بدون نگرانی یا تحت پیگرد قرار گرفتن از سوی دستگاه قضایی فراهم شود.

سازمان‌های حقوقی با درخواست از آل خلیفه برای لغو ممنوع الخروج بودن نبیل رجب ، تاکید کردند ممنوعیت سفر رئیس مرکز حقوق بشر بحرین بدون حکم قضایی است و اتهام های وارده ضد او با حق فعالان حقوقی در زمینه آزادی بیان منافات دارد.

بر اساس این بیانیه، نبیل رجب به سبب اظهارات خود درباره شکنجه زندانیان زندان مرکزی جو بحرین و انتقاد از جنگ عربستان سعودی ضد یمن متهم شده است.

این درحالی است که سازمان اروپایی – بحرینی حقوق بشر ، ممنوعیت اعمال شده از سوی رژیم آل خلیفه ضد دبیرکل جمعیت اسلامی الوفاق ملی این کشور را نقض حقوق زندانیان دانست.

به گزارش پایگاه «مرآة البحرين» ؛ سازمان اروپایی – بحرینی حقوق بشر با اشاره به اقدام رژیم آل خلیفه مبنی بر ممنوعیت شیخ علی سلمان ، دبیرکل جمعیت اسلامی الوفاق ملی بحرین از هرگونه تماس و دیدار با وی ، درباره تداوم محدودیت‌ها و فراهم نشدن فضای طبیعی برای دستیابی زندانیان به حقوقی که براساس قوانین بین‌المللی حقوق بشر باید از آن برخوردار شوند، ابراز نگرانی کرد.

بحرین از سال ۲۰۱۱ تا کنون صحنه اعتراضات مسالمت آمیز مردمی است که خواستار تغییرات سیاسی اساسی هستند ،اما رژیم آل خلیفه اعتراضات مردمی این کشور را سرکوب می کند.

دبیرکل حزب الله لبنان افشا کرد:

اسرائیلی ها و برخی دولت های عربی رویکرد درگیری سنی و شیعه را به پیش می برند

دبیر کل حزب الله لبنان یادآور شد: اسرائیل از این لحاظ که معتقد است حتی اگر سازش و مصالحه ملی صورت گیرد، نباید اجازه داد راه حلی مطرح شود که به ابقای اسد و نظامش بینجامد، با ترکها و سعودی ها توافق نظر دارد... این مساله از سوی سعودی ها و ترکها و اسرائیلی ها قابل قبول نیست از این رو مذاکرات را به بن بست می کشانند، بر سر رفتن هیات ها مانع تراشی می کنند، پیش شرط تعیین می کنند و مشکلی با تداوم جنگ ندارند و هرگونه مصالحه ملی را بخصوص برای اسرائیل خطر می دانند لذا با آن مخالفت می کنند.

نصرالله تاکید کرد که اسرائیلی ها در این نشستهای اخیر این واقعیت را پذیرفتند که نمی توان نظام سوریه را سرنگون کرد از این رو با وقاحت خواستار تقسیم سوریه بر پایه های طائفی و قومی شدند. بر این باورند که اگر سوریه به کشورهای کوچکی تقسیم شود می توان با این کشورهای کوچک به منظور دستیابی به مرحله ائتلاف، به تفاهم رسید. از این رو با هرگونه مصالحه ملی مخالفتند و می گویند که بهتر است سوریه تجزیه شود تا اینکه سازشی صورت گیرد که نظام اسد و رییس جمهورش در قدرت باقی بمانند.

دبیرکل حزب الله لبنان تاکید کرد: اسرائیل تا این لحظه در سوریه شکست خورده است زیرا هدف اسرائیل سرنگونی نظام اسد بود که به نتیجه نرسید. همچنین در رساندن سوریه به مرحله تجزیه و تقسیم نیز ناکام ماند. طرح عربستان در سوریه نیز با شکست مواجه شد و فقط ناکامی به بار آورد. ارتش سوریه و نیروهای مردمی و همراهان آنها در طول اراضی سوری در حال مبارزه هستند بدین معنا که تصمیم ملی سوریه مانع تقسیم و تجزیه گردید.

سید حسن نصرالله گفت: داعش و جبهه النصره که شاخه های القاعده در سوریه هستند نیزدر تحقق رؤیای تصرف این کشور و ایجاد نظامی جاهلی ناکام مانده اند.

دبیرکل حزب الله لبنان دربخشی از سخنان خود در مراسم گرامیداشت یاد و خاطره رهبران شهید مقاومت شیخ راغب حرب و عباس موسوی و عماد مغنیه ۳۷ سالروز پیروزی انقلاب اسلامی را به رهبر معظم انقلاب، دولت و ملت ایران تبریک و تهنیت گفت و برای ایران عزت ، قدرت و پیشرفت را آرزو کرد.

سید حسن نصرالله همچنین یادآور شد: در یازدهمین سالروز شهادت حریری، به رغم خصومت سیاسی با برخی از وارثانش، وظیفه اخلاقی خود می دانیم که بار دیگر تسلیت بگوییم و در این روز ابراز همدردی کنیم.

دبیرکل حزب الله لبنان همچنین با گرامیداشت پنجمین سالگرد انقلاب بحرین اظهار داشت: این انقلاب علیرغم سرکوب و کشتار ادامه یافت و ثابت کرد که همچنان از عزم اراده و درخشش برخوردار است.

سید حسن نصرالله در مورد یمن گفت: ما در آستانه سپری شدن یک سال از تجاوز آمریکا و عربستان علیه یمن قرار داریم و ارتش و کمیته های مردمی همچنان در رویارویی با قدرتهای تجاوزگر حماسه می آفرینند.

وی به همه یمنی های مقاوم و نستوه درود فرستاده و آنها را نمایانگر مظلومیت انسان و تاریخ دانست.

دبیرکل حزب الله لبنان با گرامیداشت سالروز گرامیداشت فرماندهان شهید، شیخ راغب حرب شیخ مقاومت و عباس موسوی سرور شهدای مقاومت که به همراه همسر و کودکش به شهادت رسید و عماد مغنیه فرمانده مجاهد، تاکید کرد که در این مرحله که به شدت به الهام گرفتن از این فرماندهان نیازداریم.

وی تاکید کرد: ما هر ساله در چنین مناسبتی از شهدا صبر و ایستادگی را الهام می گیریم . شهدا با نام و جان و دستاوردهایشان همواره با ما در میدان جهاد و فکر و آگاهی و تلاش همراه و همگام هستند.

منافع اسرائیل در منطقه خطرناک می دانند و به همین دلیل از ابتدای نبرد از نظر اطلاعاتی و لجستیکی در لبنان و اردن به تروریست های سوریه در پشت پرده یاری می رساند.

وی تاکید کرد: اسرائیل با عربستان و ترکیه در مورد سوریه اتفاق نظر دارد و به همین دلیل هر سه مانع از حل و فصل سیاسی بحران سوریه در مذاکرات می شوند، برای مذاکرات پیش شرط تعیین می کنند و سطح خواسته های خود را بالا می برند که حتی برای اروپا و آمریکا نیز این موضوع قابل قبول نیست. آنها مشکلی با ادامه جنگ در سوریه ندارند و هر گونه آشتی ملی در سوریه را برای خود خطرناک می دانند و هر سه به ویژه اسرائیل با آن مخالفت می کنند.

توطئه ترکیه و عربستان در سوریه شکست خورده است

دبیرکل حزب الله لبنان با بیان اینکه توطئه ترکیه و عربستان سعودی در سوریه شکست خورده و به بن بست رسیده است خاطرنشان کرد: دشمنان کینه توز سوریه خود را برای به راه انداختن جنگ در منطقه آماده کرده اند، ولی برای حل سیاسی بحران این کشور قدم بر نمی دارند.

سید حسن نصرالله، تنها عامل بازدارنده برای جلوگیری از حمله اسرائیل به لبنان را وجود مقاومت دانست و گفت: حفظ مقاومت و پشتیبانی از آن مانع از حمله اسرائیل به لبنان می شود.

وی افزود: صهیونیستها از این می ترسند که در هرجنگی در آینده مقاومت مخازن گاز حیفا را هدف قرار دهد که این امر به کشته و یا مجروح شدن ۸۰۰ هزار نفر از اشغالگران منجر خواهد شد. آنان معتقدند که خسارات ناشی از هدف قرار گرفتن مخازن گاز حیفا معادل خسارت برجها مانده از یک بمب اتمی خواهد بود. سید حسن نصرالله تاکید کرد: صهیونیستها معتقدند، مقاومت موشکهایی دارد که می تواند هر نقطه از فلسطین اشغالی را هدف قرار دهد و ما می دانیم که اسرائیل نقاط ضعف بسیاری دارد.

وی خاطرنشان کرد: مشغول بودن در مکانهای دیگر توجه ما را از دشمن صهیونیستی منحرف نمی کند، بلکه ما با سلاح و خون خود از مقاومت پاسداری خواهیم کرد. سید حسن نصرالله افزود: ما به هیچ یاغی و طاغی اجازه نخواهیم داد که سوریه را تصرف و اشغال کند و به اسرائیل نیز اجازه دستیابی به رؤیاهایش را نخواهیم داد. شهدای ما در سوریه همچون شهیدایمان درجنگ ژوئیه هستند که توطئه آمریکا را خنثی کردند.

وی خاطرنشان کرد، اسرائیل در حمله به سوریه دست دارد، ولی تاکنون شکست خورده، زیرا هدفش براندازی نظام دمشق یا تجزیه سوریه بود که به آن نرسید.

وی با بیان اینکه اسرائیل بقای نظام بشار اسد رئیس جمهوری سوریه و برنامه آشتی ملی این کشور را خطری برای خود می داند ، افزود: اسرائیل با عربستان سعودی و ترکیه ارتباط دارد و با این دو کشور درباره براندازی نظام بشار اسد به توافق رسیده است.

وی تاکید کرد که اسرائیل تحولات سوریه را فرصتی مناسب برای سرنگون کردن نظام دمشق به عنوان یکی ازستونهای مقاومت می داند که اگر این ستون شکسته شود، محور مقاومت ضربه سنگینی خواهد خورد.

وی گفت: در اسرائیل تقریبا نوعی اجماع وجود دارد مبنی بر اینکه هر گزینه دیگری غیر از ابقای نظام بشار اسد، قابل قبول است زیرا آنها گمان می کنند که این نظام همچنان خطری برای منافع اسرائیل در منطقه به شمار می آید. از این رو آنها از همان روز نخست بخشی از جنگ علیه سوریه از لحاظ اطلاعاتی و لجستیکی و تسهیل عبور و مرور از طریق چندین نقطه در لبنان و اردن بودند. اسرائیل از پشت پرده برای تمام آنچه که موجب تحریک علیه سوریه می شود، زمینه سازی می کرد.

دبیرکل حزب الله لبنان در مراسم بزرگداشت شهدای لبنان تاکید کرد: رژیم صهیونیستی براساس نتایج مجموعه ای از کنفرانس ها و ارزیابی تحولات منطقه خود را در برابر دو فرصت و دو تهدید می بینند. درچارچوب اولین فرصت آنها شرایط را برای برقراری روابط و ایجاد ائتلاف با کشورهای عرب اهل تسنن مناسب دیده و آن را به سود اسرائیل تصور می کنند و در این میان می خواهند از وخامت رویارویی میان کشورهای عرب اهل تسنن و ایران استفاده کنند. وی گفت: دومین فرصت امکان تغییرو به عبارت روشن تر سرنگونی نظام سوریه است که ضربه هولناکی بر محور مقاومت و ارتش سوریه وارد خواهد کرد و توانایی اش در خصوص مشارکت در رویارویی نظامی با اسرائیل مورد شک و تردید قرار می گیرد.

سید حسن نصرالله ادامه داد: اما تهدید اول ایران و دومی جنبش های مقاومت در فلسطین و لبنان است، اسرائیل حزب الله را تهدید نظامی اصلی علیه خود می داند و به همین دلیل از احتمال شعله ور شدن سومین جنگ علیه لبنان پس از جنگ ژوئیه و یورش نظامی اسرائیل در سال ۱۹۸۲ به لبنان سخن می گویند.

وی خاطرنشان کرد: اسرائیلی ها و به همراه آنها دولت های عربی به شدت رویکرد درگیری میان اهل تسنن و تشیع را به پیش می برند و تمامی تحولات منطقه را به مثابه درگیری سنی شیعی وانمود می کنند در حالیکه این یک درگیری سیاسی است . آنها در یمن، بحرین، سوریه، عراق و لبنان مسائل طائفه ای را به سود خود به خدمت گرفته اند.

وی افزود: آنها ایران و همچنین نظام بشار اسد و حزب الله را به عنوان دشمن نشان می دهند و دشمن واقعی یعنی اسرائیل را نادیده گرفته اند. میان ادبیات اسرائیل و برخی از رسانه های عربی به ویژه سعودی و کشورهای عرب حوزه خلیج فارس همخوانی وجود دارد. صهیونیست ها تحولات منطقه را یک فرصت طلایی می داند تا خود را به عنوان دوست و هم پیمان و حامی اهل تسنن در جهان عرب و اسلام معرفی کنند، آنها از شرایط سوء استفاده کرده و برخی از روابط مجرمانه را علنی کرده اند. ما شاهد آن هستیم که اسرائیلی ها در مونیخ با سعودی ها و مقام های سایر کشورهای عرب حوزه خلیج فارس دست داده و هم آغوش شده اند.

اعراب جنایت های اسرائیل را فراموش نکنند

نصرالله با اشاره به ادامه جرم و جنایت های رژیم صهیونیستی خطاب به دولت های عربی گفت: آیا شما حاضرید اسرائیل را دوست خود بدانید در حالیکه همچنان یک سرزمین سنی را در اشغال خود دارد. آیا سخنان رژیمی که در تاریخ هولناک ترین جنایت ها را علیه اهل تسنن مرتکب شده ، باور می کنید؟ این صهیونیست ها حرم ابراهیمی را مصادره کردند، حرمت مسجد الاقصی را در هم شکستند و تا کنون در برابر نگاه اعراب و مسلمانان دهها هزار تن از فلسطینیان را قتل عام کرده اند. فلسطینیان هر روز مورد ظلم و ستم واقع می شوند، آیا آنها از اهل تسنن نیستند؟ آیا چگونه عاقلی از اهل تسنن می تواند اسرائیل را دوست و حامی خود بداند. یعالون و نتانیاهو خود را حامی اهل تسنن معرفی می کنند. علما و مردم موظف هستند تا این تبلیغات گمراه کننده و توطئه آمیز را نپذیرند زیرا در غیر این صورت فلسطین و مقدسات اسلامی و مسیحی تا ابد از بین خواهند رفت.

دبیرکل حزب الله لبنان با بیان اینکه اسرائیل می خواهد سوریه را به عنوان ستون فقرات محور مقاومت در هم بشکند، افزود: اگر این ستون فقرات بشکند محور مقاومت به شدت ضربه خواهد دید. اسرائیل به هیچیک از ارزشهای اخلاقی پایبند نیست و فقط منافع خودش را دنبال می کند. اسرائیل القاعده ، داعش و النصره را بهتر از نظام بشار اسد می داند زیرا این نظام را برای

دیگر روش‌هایی که مستکبران در این زمینه به کار می‌گیرند، می‌توان به تحریف حقیقت و تحریف تفسیر نصوص حقیقی اشاره کرد؛ آنها برای جلوگیری از ابلاغ دقیق پیام الهی سعی می‌کنند که در این نصوص تحریفاتی ایجاد کنند.

وی گفت: از جمله ابزارهایی که دشمنان در این راستا از آن بهره می‌گیرند، تحریف به کتمان است؛ تحریف نص، اضافه کردن بر نقص، ناقص کردن نص، کاستن از متن، بریدن از متن و تحریف به تفسیر به متن از دیگر روش‌هایی است که آنها در این مسیر به آن می‌پردازند. آیت الله اراکی افزود: مشکل عجیبی که امروز با آن مواجه هستیم آن است که غربی‌ها با همین ابزارها، مردم خود را رام کرده اند و دروغ آنها را راست می‌شمارند. دبیر کل مجمع جهانی تقریب تأکید کرد: آنچه امروز در غرب وجود دارد این است که مستکبرین بر جهان غرب و حتی سایر نقاط جهان سلطه انداخته اند و به عبارت دیگر الان در غرب اراده توده‌های مردم رام اراده مستکبران شده است.

وی با بیان اینکه اگر تبعیت مردم از حاکمان نبود ما شاهد این همه جنایت در جهان نبودیم، اظهار داشت: مردم غرب الان در برابر این جنایات مسئول هستند بر همین اساس است که مقام معظم رهبری برای جوانان و توده مردم در غرب پیام می‌دهد.

آیت الله اراکی:

الان در غرب اراده توده‌های مردم رام اراده مستکبران شده است



هجدهمین جشنواره بین‌المللی پژوهشی شیخ طوسی با عنوان «گفتگوی اسلام و جهان معاصر» با الهام از پیام مقام معظم رهبری به جوانان اروپا و آمریکای شمالی با حضور آیت الله «محسن اراکی» دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی در مجتمع آموزش عالی امام خمینی (ره) در قم برگزار شد.

آیت الله اراکی طی سخنانی در این

جشنواره، اظهار داشت: تحلیلی که از جامعه کنونی می‌توان بر مبنای نگاه قرآن کریم ارائه کرد این است که جهان کنونی، جهان دو قشر مستکبر و مستضعف است و همه تحلیل‌های اجتماعی در جهان معاصر تحت تأثیر تقابل دو قشر مستضعف و مستکبر قرار دارد.

وی با بیان اینکه در دوران معاصر این تقابل شکل ویژه‌ای به خود گرفته است، اظهار داشت: می‌توان گفت زمینه اصلی پیام مقام معظم رهبری به جوانان غرب از همین زیر ساخت و ریشه مایه می‌گیرد.

دبیر کل مجمع جهانی تقریب اظهار داشت: تقابل بین استکبار و استضعاف یک تقابل تاریخی است و اساس تاریخ را نیز این تقابل رقم می‌زند یعنی آنچه تاریخ را شکل می‌دهد این تقابل است.

وی تأکید کرد: ما اگر روند تاریخ و روند تقابل تاریخ را بررسی کنیم ناگزیر هستیم از این اصل بنیادین آغاز کنیم که جامعه بشر، جامعه تقابل استکبار و استضعاف

بوده و است، البته جهان کنونی برترین نمونه چنین تقابلی است.

آیت الله اراکی در ادامه با بیان اینکه اساس استکبار و استضعاف چیست؟ و استکبار از کجا نشأت می‌گیرد؟ اظهار داشت: قشر مستکبر، قشری است که اراده مستضعف را از او می‌رباید و جامعه مستضعف در برابر جامعه مستکبر به جامعه ای بدون اراده تبدیل می‌شود یعنی اراده مستکبر سرنوشت جامعه مستضعف را رقم می‌زند و توان مقابله را از جامعه مستضعف می‌گیرد.

وی با بیان اینکه در قرآن کریم آمده است که این سلب اراده اختیاری است، اظهار داشت: جامعه مستضعف در برابر این سلب اراده مسئول است و نمی‌تواند در پیشگاه خداوند به عنوان یک عذر از خود رفع مسئولیت کند.

دبیر کل مجمع جهانی تقریب با بیان اینکه معنی تبعیت این است که اراده شما در برابر اراده دیگر تبدیل به اراده دست دوم و پیرو می‌شود یعنی با اختیار اراده خود را در اختیار حاکمان قرار می‌دهد، اظهار داشت: جامعه شکل نمی‌گیرد مگر اینکه اکثریت اراده خود را تابع اراده حاکمان کند و وقتی تبعیت به وجود آمد کارها به صورت اتوماتیک وار در مسیر اراده حاکمان قرار می‌گیرد.

وی افزود: حاکمیت بر اراده مستضعفین یک شکل اجتماعی به وجود می‌آورد که در نتیجه آن یک صاحب

عضو شورای عالی مجمع جهانی تقریب مذاهب؛

خواست رجال تقریب این است که خوبان هر امت را شناسایی و باهم متحد کنیم

شکنی به مخالفان می‌دهد.

عضو شورای عالی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی با یادآوری حضور امام موسی صدر در مجمع البحوث الاسلامیه مصر گفت: گفت‌وگوی امام موسی صدر سبب شناختن مکتب اهل بیت (ع) می‌شود. مانیز باید همانند امام خمینی (ره) آیت‌الله العظمی بروجردی، امام موسی صدر، شیخ شلتوت، کاشف الغطا و... برای وحدت

و همبستگی مسلمانان گفت‌وگوی مسالمت‌آمیزی داشته باشیم. وی افزود: تجمع العلما المسلمین لبنان نیز از ثمرات وحدت فقهی امام موسی صدر است. تلاش کنیم با گفت‌وگوی سازنده، اختلافات را برداشته و یک امت واحد شویم. برخی از افراد بد نیستند ولی مطالب برایشان بد تفهیم شده است که ما نیز باید همانند امام موسی صدر مکتب ائمه اطهار (ع) را به درستی معرفی کنیم.

حجت‌الاسلام و المسلمین بی‌آزار شیرازی در ادامه با اشاره به فعالیت ماهواره‌های تفرقه افکن به ویژه در لندن تصریح کرد: امروز استعمارگران شبکه‌های ماهواره‌ای را دست افرادی می‌دهند که فقط به دنبال فحاشی و ایجاد اختلاف هستند. ولی با این وجود فردی همانند امام موسی صدر را که بر وحدت تأکید داشته‌اند می‌ربایند.



موسوی صدر و آیت‌الله شرف الدین را مظهر ادب و کلام در نگارش مطالب نسبت به سایر مذاهب عنوان کرد و گفت: دیگران نیز باید از این بزرگواران یاد بگیرند و بداند چگونه باید مکتب اهل بیت (ع) را معرفی کرد.

وی با بیان این که امام موسی صدر تأکید می‌کند باید کار ناتمام سید جمال الدین اسد

آبادی را به اتمام برسانیم، خاطر نشان کرد: راه حل علمی تقریب در روش امام موسی صدر مسأله گفت‌وگو و شناخت مستقیم بوده است. متأسفانه برخی شناخت مذاهب را از نوشته‌های مخالفان دریافت می‌کنند و با نفی دیگران، خود را اثبات می‌کنند.

حجت‌الاسلام و المسلمین بی‌آزار شیرازی تأکید کرد: امام موسی صدر ضمن گفت‌وگو با علمای اهل تسنن لبنان با علمای الاذهر نیز گفت‌وگوها و نام‌نگاری‌های مختلفی داشته است. نتیجه این گفت‌وگو سبب می‌شود که شیخ الاذهر به ایران سفر و با علمای قم، مشهد و تهران دیدار می‌کند.

وی ادامه داد: نتیجه دوستی امام موسی صدر با شیخ فحام (شیخ الاذهر) سبب می‌شود که وقتی از این شیخ اهل تسنن خواسته می‌شود تا فتوایی علیه فتوای شیخ شلتوت صادر کند، ولی این کار را نکرد و جواب دندان

متفاوت‌تر از این متعصبان دارند. خواست رجال تقریب این است که ما خوبان هر امت را شناسایی و باهم متحد کنیم. وی ادامه داد: در هر امتی افراد خوب و بد وجود دارد، ولی باید به تعبیر امام موسی صدر خوبان هر امتی را کنار یک‌دیگر جمع و علیه دشمنان خدا متحد کنیم. خود امام موسی صدر نیز با چنین باوری توانست در بین اختلافات فراوان فرقه‌های مختلف، وحدت ایجاد کند.

حجت‌الاسلام و المسلمین بی‌آزار شیرازی با اشاره به سفر سال ۵۲ خود به لبنان و دیدار با امام موسی صدر اظهار کرد: در این سفر ایشان دستور داد تا کتاب «قرآن و طبیعت» بنده به عربی برای مدارس لبنان ترجمه شود. همچنین بنده پس از سفر به لبنان به مصر رفتم که در آن‌جا به جایگاه و عظمت امام موسی صدر بین علمای اهل تسنن پی‌بردم.

وی یادآور شد: امام موسی صدر تأکید می‌کند که نخست تقریب را از پدرشان فرا گرفته‌اند. حتی در زمینه تقریب کتابی با نام «لوا الحمد» نوشته‌اند که در آن احادیث مشترک میان شیعه و سنی را بیان کرده‌اند. آیت‌الله عبدالحسین شرف الدین که عالم شیعیان لبنان بوده نیز وصیت می‌کند: «امام موسی صدر جانشین من هستند.»

عضو شورای عالی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، امام خمینی (ره)، آیت‌الله العظمی بروجردی، امام

امام جمعه پاهو:

تواضع، اعتماد به مخاطبان و دلسوزی برای آینده اسلام از ویژگی‌های امام موسی صدر بود

تصریح کرد: اگر در کشورهای عربی یک رهبر حکیم وجود داشت، این گونه گرفتار نمی‌شدند.

وی افزود: ایران اسلامی از ابتدا انقلاب گرفتار هزاران توطئه و فتنه سیاسی، قومی، مذهبی و حتی جنگ فیزیکی شده، ولی به سبب وجود رهبر حکیم، بصیر و مردمی این کشور هر روز قدرتمندتر شده است. حتی اگر یکی از این فتنه‌ها بر سر کشور دیگر می‌آمد، آن کشور نابود می‌شد.

ماموستا قادری در بخش پایانی سخنان خود داعش را دشمن شیعه و سنی و اسلام معرفی و بیان کرد: کشتن مسلمانان در دین پایه و اساسی ندارد؛ بنابراین داعشیون هیچ دینی ندارند. آن‌ها تربیت یافته برخی از مفتیان اهل سنت و مأموران دستگاه‌های اطلاعاتی غربی هستند.

نقش تاریخی خود واقف بوده و عمل کنند.

ماموستا قادری بخشی از مشکلات امروز جهان اسلام را نتیجه غفلت‌ها دانست و با تأکید بر این که نباید گلوله جای گفت‌وگو را بگیرد، اظهار داشت: وقتی می‌شود مشکلات را با گفت‌وگو حل کرد، چرا باید به گلوله متوسل شد؟ متأسفانه برخی خوراک علمی خود را از غیر علما و رهبران دینی دریافت می‌کنند.

وی حقیقت تقریب مذاهب را تقریب بین مردم و علمای مذاهب دانست و گفت: مذاهب با یکدیگر مشکل ندارند؛ چرا که هدف یکی است. ولی نباید با استنباط‌های فردی مذهب خود را به دیگران تحمیل کرد.

امام جمعه پاهو ضمن تقدیر از نقش جمهوری اسلامی ایران در ایجاد تقریب و وحدت میان امت‌های اسلامی

را بیدار کرد، افزود: کلمات و بیانات مردان الهی همانند ایشان سبب نجات امت می‌شود.

وی از امام موسی صدر به عنوان یک ملت و جامعه یاد کرد و گفت: امام موسی صدر یک شخص نبود، بلکه ملت و جامعه بود و به همین دلیل اجازه روشننگری به او ندادند.

امام جمعه پاهو با بیان این که عصر کنونی که عصر ارتباطات، علم و آگاهی شناخته می‌شود در حقیقت عصر شیخون و هجمه به معنویت اسلام و قرآن است خاطر نشان کرد: تفرقه میان امت اسلامی سبب شد که چنین هجمه‌ای به اسلام و قرآن شود.

وی ادامه داد: متأسفانه هر فردی اسلام و فقه را با میل خود تفسیر می‌کند و این خود سبب شده که عده‌ای بر سر دیگران گلوله بکوبند. علما باید در این دوران به

ماموستا ملاقدار قادری، امام جمعه شهر پاهو در همایش «گفت‌وگو برای زندگی» که با محوریت بررسی تجربه امام موسی صدر در قم با تأکید بر این که امام موسی صدر به دنبال دارالتقرب بود، اظهار کرد: ایشان این تفکر را مدیون پدر بزرگوارشان می‌دانستند و تمام خانواده این عالم منادی وحدت بودند.

وی ادامه داد: لبنان پیش از حضور امام موسی صدر با گرفتاری‌های بسیاری مواجه بود، ولی ایشان غافلان را بیدار کرد و بیداران را بصیرت داد. تواضع، اعتماد به مخاطبان و دلسوزی برای آینده اسلام از ویژگی‌های امام موسی صدر بود.

عضو شورای برنامه‌ریزی علوم اهل سنت با تأکید بر این که همت بزرگانی همانند امام موسی صدر، غافلان

نشریه مرکز بررسی‌های اسلامی

دوهفته‌نامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: سیدهادی خسروشاهی

دفتر مرکزی: قم / خیابان شهدا (مغانیه) / نبش ممتاز

تلفکس: ۰۲۳۳۱۴۲۳۷۷۴ صندوق پستی: ۱۳۶ چاپ: ولیعصر

سایت‌های مرکز

مرکز بررسی‌های اسلامی: www.iscq.ir

استاد خسروشاهی: www.khosroshahi.org

پست الکترونیکی: besatonline@gmail.com

شماره‌های نشریه بعثت

از سال ۱۳۸۷ به بعد، در سایت مرکز
بررسی‌های اسلامی به نشانی: www.iscq.ir
در دسترس می‌باشدجدیدترین شماره مجله
«مطالعات تقریبی مذاهب
اسلامی» منتشر شد

شماره ۴۱ مجله علمی-ترویجی «مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی» دانشگاه مذاهب اسلامی چاپ و منتشر شد. مجله «مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی» که با درجه علمی-ترویجی از کمیسیون بررسی نشریات علمی کشور از سوی دانشگاه مذاهب اسلامی منتشر می‌شود در پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC) نیز نمایه می‌گردد.

در جدیدترین شماره این مجله که به صورت فصلنامه منتشر می‌شود سرمقاله ای با عنوان «قرآن، کلید درهای بسته امت» از دکتر سید احمد زرهانی چاپ و در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته است.

همچنین مقالاتی با عناوین: «شروط ولی در امور شخصی از منظر مذاهب خمس» از علیرضا عالم زاده، «عملکرد دوگانه ایوبیان در مواجهه با شیعیان امامیه و اسماعیلیه و بازتاب آن در تاریخ نگاری مصر و شام» از احمد بادکوبه هزوه و معصومه آبگانه از گمی، «اندیشه تقریب شیعه و سنی: سیاست سنی‌گرایی نادرشاه از زهرا عبیدی، «بررسی اندیشه‌ها و عقاید محمد بن علی شلمغانی معروف به ابن ابی العزاقر بنیان گذار فرقه عزاقریه (شلمغانیه) از هادی و کیلی و تهمینه رئیس السادات در شماره ۴۱ این مجله به چاپ رسیده است.

مقالات «رحمة للعالمین بودن پیامبر(ص) در قرآن از نگاه تفاسیر فریقین» از علی غضنفری، مصطفی زارعی بلوط بنگان، «بازتاب شریعت‌مداری حاکمان تیموری در عملکرد محتسبان این عصر» از دکتر محمدسپهری و هدیه یگانه نیز در تازه‌ترین شماره این فصلنامه منتشره شده است.

حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد علی مهدوی‌راد، دبیر علمی سی و سومین جایزه کتاب سال، در یادداشتی که به عنوان مقدمه برای کتاب گزارش سی و سومین جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، نوشته است، ضمن اشاره به افزایش کمی کتاب‌های منتشر شده در سال ۱۳۹۳، وضعیت کیفی این کتاب‌ها را

تامل‌برانگیز و نگران‌کننده ارزیابی کرده است. اسلام دین کتاب، قلم و خوانش از سر تامل و دریافت درست (=قرائت) و دانش است. آموزه‌های قرآنی و نبوی با تأکید بر نوشتن و ثبت و ضبط دانش و برکشیدن جایگاه عالمان و کوشندگان در جهت جاودانه‌سازی برآیند فرزندی و دانشوری از طریق کتابت و نگارش، ضرورت کتابت و گسترش میراث مکتوب را در حیات فکری و اندیشگی مؤمنان چونان روش و ارزشی والا رقم زد و بدین‌سان از همان روزگاران سده نخست میراث مکتوب در حوزه‌های گونه‌گون تفکر اسلامی شکل گرفت.

برگزاری کتاب سال که اینک در آستانه برگزاری سی و سومین سال آن هستیم تأکیدی است بر شیوه شایسته و

دهمین نشست تخصصی تاریخ شفاهی ایران با عنوان نقد و بررسی آثار منتشره در حوزه تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷ در تالار سوره برگزار شد. در این نشست محمدرضا کائینی نویسنده و پژوهشگر اظهار داشت: بعد از پیروزی انقلاب، آن وسعت مشرب و ابعاد گوناگون شخصیت آیت‌الله طالقانی موجب شد گروه‌های رقیب به فکر بیافتند که نقصان مواضع خود را

از طریق ارجاع به آن بزرگوار حل و فصل کنند. وی ادامه داد: این نگاه غیر اخلاقی موجب شد که ذهنیتی برای طرفداران انقلاب پیش بیاید که آیت‌الله طالقانی به مثابه حربه طرفی که به لحاظ گوناگون از قطار انقلاب پیاده شدند استفاده تبلیغی شده است. - البته این حربه بعد از فوت ایشان رخ داده است و در زمان حیات او چنین نبود - به همین دلیل متأسفانه جریان بازشناسی آیت‌الله طالقانی به تعویق افتاد اندک اندک به موازات فرو نشستن برخی از غبار سیاسی که موجب شد نوعی فریب طرف مقابل را هم خوردیم جریان خودی و انقلابی پی به این نکته برد که فریب جریان مقابل را خورده است.

کائینی ادامه داد: اغواگری رقیب به حدی بود که در

یادداشت دکتر محمدعلی مهدوی‌راد

اشاره‌ای به کمیت و کیفیت آثار راه یافته به سی و سومین جایزه کتاب سال

گستره، نوامدی، کارآمدی، فخامت آثار و جزالت بیان و ... نشان دهد. نتایج به دست آمده از آنچه در سال ۹۳ مجال نشر یافته است به لحاظ کمیت مشکلی ندارد، کاستی را نشان نمی‌دهد که بماند بل نشانگر اندکی افزونی نیز هست. اما به لحاظ کیفیت، عمق، زاویه دید نو، تألیف محققانه و نگاشته‌های ژرف‌نگرانه تأمل برانگیز است. در میدان‌هایی از پژوهش اثر برگزیده دیده نشد و در وادی‌های گونه‌گونه همچنان ترجمه و گاه نه چند استوار جلوه بیشتری دارد. در حوزه تحقیق نصوص نیز گو این که کار بازخوانی شده و تصحیح و تحقیق شده کم نیست، اما آن‌همه نیز از جایگاه بلندی برخوردار نیست، عالمان، معلمان، پیشروان تحقیق و متولیان پژوهش به‌ویژه دولت باید چاره‌اندیشی کنند. این نتیجه در جشنواره‌های دیگر نیز کمابیش چنین است، و این‌همه باید دغدغه‌های متولیان دانش، فرهنگ و کتاب و کتابت را افزون کند و همگان را به چاره‌اندیشی وادار. نقد و بررسی چرایی این واقع صادق نگران‌کننده و شناسایی آسیب‌هایش نباید چندان دشوار باشد عزمی راسخ باید و همتی بلند، که امیدواریم رقم بخورد.

گزارشی از دهمین همایش تاریخ شفاهی

کائینی: روایت نهضت آزادی از آیت‌الله طالقانی غیر واقع‌گرایانه است

وی با اشاره به اینکه نگرانی که از ملی‌گرایی آیت‌الله طالقانی وجود دارد کاملاً بی‌جاست، گفت: چون آیت‌الله طالقانی ایران را ظرفی می‌داند که اسلام را می‌پذیرد. به طور مثال سخنرانی که در ۱۴ اسفند آیت‌الله طالقانی در احمدآباد داشت نشان می‌دهد که دفاع ایشان از مصدق نسبی است و تا جایی که مصدق ضداستعمار است مورد تأیید آیت‌الله طالقانی است.

کائینی ادامه داد: آیت‌الله طالقانی در همان سخنرانی عنوان کرد همین فدایان اسلام بودند که موجب ملی شدن صنعت نفت شدند و طیفی که به گروه ملی مذهبی نام گرفتند چه جناحتی را با آیت‌الله طالقانی کردند و در لفافه چه انتقاداتی به آیت‌الله طالقانی کردند و گروه دوم گروه او را مسکوت گذاشتند متوجه شدند چه مشکلاتی را برای آیت‌الله ایجاد کنند.

وی در پایان خاطرنشان کرد: بازشناسی شخصیت آیت‌الله طالقانی خوشبختانه حرکتی را شکل داد که شاهد نوعی انفعال جرانی هستیم که آیت‌الله طالقانی را به خودش منتصب کرده بود و به شکل غیراخلاقی آن افراد به تخطئه وی دست زدند.



ما یک حالت انکسار و جمع شدن ایجاد کرد و اواسط دهه ۷۰ بازشناسی مجدد آیت‌الله طالقانی شروع شد. از جنبه مختلف ادامه پیدا کرد. وی افزود: در دو دهه مشغول بررسی آثار و آرای اندیشه‌های آیت‌الله سیدمحمود طالقانی بودم و در خلال این دو دهه شاهد دو رویکرد به آیت‌الله طالقانی بودم.

وی افزود: رویکرد اول شامل نگاه نهضت آزادی، مجاهدین خلق و گروه‌های دیگر ... بود که به خاطره‌گویی از رویکرد ملی‌گرایانه و دوری از ولایت آیت‌الله طالقانی پرداختند و قصد داشتند این روز خود را بر آن روز آیت‌الله طالقانی تحمیل کنند؛ رویکرد دوم آیت‌الله طالقانی مواجهه استکبارستیزانه، ولایت‌گرایانه و دفاع از حقوق ملت مظلوم فلسطین بود و این دو نگاه به آیت‌الله طالقانی تبعاتی را نیز ایجاد کرد.

کائینی گفت: طیف دوم از علاقه آیت‌الله طالقانی به مصدق و ملی‌گرایی نگران بودند که البته نگرانی بی‌جایی بود که حاصل یک شتابزدگی بود، ملی‌گرایی که آیت‌الله طالقانی از آن دم می‌زد پیوند وثیق با ملی‌گرایی بعد از اسلام دارد.

«تشیع در آذربایجان» منتشر شد

دوره‌ی میان زوال ایلخانان و روی کار آمدن صفویان، مانند سکه‌ها و بناها، شعارهای شیعی در کنار شعارهای سنی به چشم می‌خورد. این آثار با توجه به غیرقابل تحریف بودن آن‌ها، به وضوح نشان دهنده‌ی رواج زیاد اعتقادات شیعی در جامعه‌ی آذربایجان است.

نویسندگان به مورد توجه قرار دادن مسائل تاریخی فوق‌الذکر در آذربایجان، به این نتیجه رسیده است که جامعه‌ی آذربایجان از زمان روی کار آمدن ایلخانان تا زمان پیدایش دولت صفوی، بنا بر شرایط خاص سیاسی و اجتماعی و به ویژه روند تحولات مذهبی، به تدریج با تشیع آشنا و با اعتقادات متعلق به این مذهب مانوس شده بود.

به همین دلیل، مقارن تشکیل دولت صفوی، اوضاع مذهبی آذربایجان به گونه‌ای درآمده بود که در مقایسه با دوره‌های پیش از آن، شرایط برای تغییر مذهب مساعدتر بود. بنابر یافته‌ی این تحقیق، اگر شرایط و بستری‌های لازم برای چنین تحول بنیادینی فراهم نشده بود، حتی ادعای غلط قهر و غلبه و ضرب شمشیر شاه اسماعیل نیز برای انجام چنین کار خطیری کارگر نمی‌افتاد.

این کتاب توسط انتشارات منشور سمیر در ۳۱۱ صفحه و به قیمت ۲۰۰۰۰ تومان در ۳۰۰ نسخه روانه بازار کتاب شده است.

شدند و بدین طریق امکان استمرار حضور تشیع را در جامعه‌ی آذربایجان پس از خواجه فراهم آوردند. بنابر یافته‌های این پژوهش، موقعیت تشیع در آذربایجان در زمان غازان(۶۹۴-۷۰۳ه.ق.) و در عهد اولجایتو(۷۰۳-۷۱۶ه.ق.) اعتلای چشمگیرتر و ملموس‌تری یافت. با اعتلای جایگاه اجتماعی سادات در پی بنای دارالسیاده‌ها و بسط حب خاندان پیامبر(ص) جایگاه تشیع نیز در آذربایجان ارتقاء می‌یافت.

به‌رغم اینکه تشیع پس از رسمیت کوتاه مدت آن در دوره‌ی فرمانروایی اولجایتو، به عنوان مذهب رسمی مورد توجه نبود، اما روند رو به رشد آن در مناطق شمال غرب ایران همچنان حفظ گردید. در این میان، در فترت پس از مرگ ابوسعید ایلخانی(۷۲۶ ق.)، دولت‌های مسلط بر آذربایجان مانند چوپانیان(۷۳۹-۷۵۸ه.ق.)، جلایریان(۷۵۹-۷۸۷ه.ق.)، قراقویونلوها(۸۱۰-۸۷۴ه.ق.) و آق‌قویونلوها (۸۷۴-۹۰۷ه.ق.)، سیاست‌های مذهبی متعصبانه‌ای در پیش نگرفتند. در چنین فضایی، اعتقادات شیعی در سایه‌ی نزدیکی میان تشیع و تصوف در جامعه‌ی آذربایجان به تدریج رواج پیدا می‌کرد. عقاید و تفکرات شیعی در این منطقه تا بدان حد بود که در آثار برجای مانده از دولت‌های حاکم در

در نظر گرفته شده و همگام با تحولات سیاسی، تغییرات آرام اما ملموس در فضای مذهبی خطه‌ی آذربایجان مورد توجه قرار گرفته است.

با توجه به اینکه بر خلافت تحولات سیاسی، تحولات فکری-فرهنگی در ادوار مختلف پس از ایلغار مغول آهنگی آرام و تدریجی را سپری می‌کرد، مؤلف سعی کرده است از لا‌بالای منابع مختلف و متنوع تاریخی، رویدادهای مهم و تأثیرگذار در تحولات مذهبی منطقه مورد بررسی را در چهار دوره‌ی مشخص (ایلخانان غیرمسلمان، ایلخانان مسلمان) (خاصه دوره‌ی فرمانروایی غازان خان و محمد اولجایتو)، دوره‌ی پس از زوال ایلخانان تا ظهور صفویان و در نهایت پیدایش دولت صفوی و رسمیت یافتن مذهب شیعه در ایران را مورد توجه قرار دهد.

در بررسی چگونگی حضور ملموس تشیع در آذربایجان، اقامت خواجه نصیرالدین طوسی در آذربایجان به عنوان نقطه‌ی آغاز نفوذ تشیع در این ایالت مورد توجه قرار گرفته است، امری که اغلب چندان بدان توجه نمی‌شود.

نویسندگان برآن است که در سایه‌ی حمایت‌های خواجه، تعدا قابل توجهی از شیعیان راهی در این زمان آذربایجان

کتاب «تشیع در آذربایجان» از ایلخانان تا رسمیت یافتن شیعه در ایران به قلم دکتر مهدی عبادی عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور مرکز تهران جنوب منتشر شد.

کتاب تشیع در آذربایجان از ایلخانان تا رسمیت یافتن شیعه در ایران، به بررسی زمینه‌های سیاسی، مذهبی، فکری-فرهنگی و نیز اجتماعی اشاعه تدریجی عقاید و مذهب تشیع در شمال غرب ایران در دوره‌ی پیش از ظهور صفویان(۶۵۶-۹۰۷ ق.) اختصاص دارد.

مؤلف، آغاز کتاب با به چالش کشیدن فرضیه رایج درباره فراگیری و تثبیت تشیع در ایران یعنی شیعه شدن ایرانیان به قهر و غلبه و ضرب شمشیر شاه اسماعیل صفوی، درصدد به دست دادن تبیینی متفاوت از روند گسترش تشیع در ولایت آذربایجان پیشاصوفی است.

در این اثر تلاش می‌شود تصویر تاریخی روشنی از چگونگی نفوذ تشیع در منطقه‌ی آذربایجان، رواج و بسط تدریجی آن، ترسیم شود تا بدین صورت چگونگی فراهم آمدن زمینه‌ها و شرایط لازم برای تحول مذهب از تسنن به تشیع در این خطه، به عنوان یکی از مؤلفه‌های مهم شکل دهنده‌ی هویت مذهبی امروز آذربایجان، مورد تبیین تاریخی قرار گیرد. برای این مهم، حمله مغول و تأسیس دولت ایلخانی در ایران به عنوان میدا بررسی